

هاشم میرزا علائی - میرزا سلیم خان ایزدی
 افشار - نصرت الدوله - اقبال الممالک - معظم
 السلطان - نظم الملک - سردار معظم - ضیاء -
 الملک - امین الشریعه - قائم مقام - سر کشیک
 زاده - مشارعظم - آقا سید یعقوب - امیر احتشام
 سردار نصرت - آقا میرزا احمد بهبهانی - سالار
 لشکر - ضیاء الواعظین - سردار معتمد -
 سیددار اعظم - شیخ الاسلام ملایری - ضیاء -
 الاطبا - حاج سیدالمحققین - امیراعلم
 هرمزی - مصدق السلطنه - شاهزاده غلامحسین
 میرزا - حاج میرزا علیرضا - عماد السلطنه آقا شیخ
 محمدعلی طهرانی - صدرائی - امیر اشرف -
 محمدولی میرزا - حاج میرزا یحیی دولت آبادی
 اسامی مخالفین - آقایان: حائری زاده
 ملک الشعراء - زعیم -
 رئیس - - اجازه می فرمائید جلسه
 ختم شود -
بعضی از نمایندگان - صحیح
 است -
 رئیس - جلسه آتیه روز شنبه دستور هم
 لایحه عوارض بلدی -
 (مجلس یک ربع ساعت قبل از
 ظهر ختم شد)
 رئیس - مجلس شورای ملی
 مؤتمن الملک
 منشی علی اقبال الممالک
 منشی معظم السلطان
صورت مشروح مجلس
یوم شنبه ۱۳۰۳
۱۳۰۳ مطابق ۷ جمادی -
الثانیه ۱۳۴۳
 مجلس دو ساعت قبل از ظهر بریاست
 آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید
 صورت مجلس روز پنجشنبه یازدهم
 جدی را آقای اقبال الممالک قرائت نمودند
 رئیس - آقای تدین
 (اجازه)
تدین - بنده قبل از دستور عرضی
 دارم -
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب
 (اجازه)
آقا سید یعقوب - بنده هم قبل از
 دستور عرضی دارم -
 رئیس - آقای طهرانی
 (اجازه)
آقا شیخ محمدعلی طهرانی -
 بنده قبل از تعیین دستور جلسه آتیه
 عرضی داشتم -
 رئیس - آقای کازرونی -
کازرونی - بنده قبل از دستور
 عرضی دارم -
 رئیس - نسبت بصورت مجلس
 مخالفی نیست ؟
 (گفتند خیر)
 رئیس - آقای تدین
 (اجازه)
تدین - مقصود از عراض بنده جلب

توجهات خاصه آقایان نمایندگان محترم
 است بوضیعت اسف انگیزی که اخیراً در
 حدود قاینات و بیرجند روی داده است -
 البته همه آقایان مسبوق شده اند از این
 قضیه تاثر آمیز و بدبختی هایی که برای اهالی
 وسکنه آن حدود روی داده است بر طبق
 تلگرافاتی که بوسلیه بنده تقدیم مجلس
 شده و تلگرافات خصوصی که بخود بنده
 رسیده است مختصراً عرض می کنم که شهر
 قائن دچار سیل شدیدی شده و در اثر سیل
 زدگی قریب ششصد باب خانه بکلی منهدم شده
 و از بین رفته است و در بیرجند در اثر چهار
 شبانه روز بارندگی متصل و آمدن سیل قریب
 سیصد باب دکان و منزل بکلی منهدم شده
 است -
 و در اثر همین سیل های مهیب قنوت
 زبادی بکلی معدوم و خراب شده و بر طبق
 اطلاعات اخیر که رسماً از طرف شعبه
 شیر و خورشید خراسان رسیده است و باز دیدنی
 که شده قریب ده هزار نفر از سکنه بیرجند
 و قاینات بکلی بی خانمان شده اند و در این موقع
 زمستان معلوم نیست دچار چه بدبختی هستند؟
 بنده می خواستم جلب توجهات خاصه و
 احساسات نوع پرورانه آقایان نمایندگان
 را بنمایم که اولاً در این باب یک فکری
 بکنند (بعضی از نمایندگان صحیح است)
 ولی قبل از آنکه از طرف مجلس یک فکر
 اساسی در این خصوص بشود و می خواستم تقاضا
 کنم در صورتیکه آقایان تصویب فرمایند
 از طرف مجلس شرحی بدولت نوشته شود و
 تقاضا شود که دولت سر بماند در این باب
 اقداماتی فرمایند -
 علاوه بر اطلاعاتی که اخیراً از قاین
 رسیده معلوم می شود که در حدود یازدهم
 همین صدمات و سختیها بسکنه آن حدود
 وارد آمده است (بعضی از نمایندگان صحیح
 است) این است که بنده علاوه می کنم
 نسبت به یازدهم تذکری بدولت داده شود
 که در اسرع اوقات نسبت بمجموع این نقاط
 اقدام عاجلی بنمایند که شاید در این موقع
 زمستان وسعتی وسائل راحتی هر چه زودتر
 از برای این بدبختیها فواید شود -
 (جمعی از نمایندگان صحیح است)
دست غیب - شیراز هم همینطور
 است -
 رئیس - آقای آسید یعقوب
 (اجازه)
آقا سید یعقوب - بنده مفصل عرض
 نمی کنم لیکن خیلی تحسین می کنم از
 آقای تدین که این تذکره را دادند بنده
 هم برای اطلاع خاطر آقایان اضافه می کنم
 بفرمایشات ایشان که کازرون سابقاً یک
 شهری بود و در اثر مشروطیت قصبه شد و در
 این ایام ده شده است -
 هزار و یانصد نفر از بچه های کازرون
 در اثر مرض آبله و نبودن مایه آبله از بین
 رفته اند و هم در مجلس ملأ کره می شود

که چه چیز اهم است در مملکت -
 بنده می گویم اهم از همه چیز صبحیه است
 تا صبحیه نباشد معارف - نظام - هدلیه -
 هیچ چیز در مملکت نیست - خوب است در
 این باب یک فکری فرمائید که هزار و یانصد
 نفر بچه بواسطه نبودن مایه آبله از بین
 رفته اند خواستم مجلس مقدس را مطلع کنم
 شاید یک انعکاسی پیدا کند که وزراء در
 این خیال بیفتند -
 و یک فکری برای آنجا بکنند - همین
 بود عرض بنده -
رئیس - آقای شیروانی
 (اجازه)
شیروانی - در ضمن لایحه بودجه
 پیشنهادی از طرف اکثر نمایندگان راجع
 به بنیادهای تومانی که پیش بینی شده بود از
 برای یک مصارفی از شهریه ها کسر شود
 تقدیم مجلس شد -
 بنده تمنی می کنم - قبل از دستور
 گذارده شود که رجوع بشعب شده و در
 جریان بیفتد تا انشاء الله برای اول حمل
 اقلاً حاضر شده باشد طبع و توضیح هم
 شده است -
رئیس - آقای کازرونی
 (اجازه)
کازرونی - بنده خواستم راجع
 بقانون البسه وطنی باز بمجلس تذکر
 بدهم -
 بنده چندین فقره سؤال ازدولت کردم
 راجع بهمین قضیه ایشان هم یک جوابهایی
 دادند -
 خود بنده هم نظر بعلاقه مفرطی که باین
 قانون داشتم و نظر باینکه می بینم اثرات
 فوق العاده در امر اقتصادیات مملکت دارد
 غالباً بوزارتخانه های روم و می بینم مدیران
 لباس وطنی نمی پوشند -
 در صورتیکه مدیرانی بود یک نفر ثبات
 بیچاره ممکن است بگوشیم مقدورش نشده
 است که بپوشد یا اصلاً آن هم نباشد
 چنانچه همه آقایان میدانند مکرر
 در اینجا گفته شده که اگر جریمه اخذ شده
 صورت آن را بدهند در صورتیکه نگر گرفته اند
 و این قانون بطور بی اعتنائی تلقی شده است
 از طرف دیگر تجار باطمینان این قانون
 پارچه هایی تهیه نموده بسایر ولایات هم
 فرستاده اند و از ولایات مرجوع میدارند
 و می نویسند که ابدأ از این قانون اسمی در
 اینجاهان نیست و مستخدمین دولت هیچ متاد
 نیستند باستعمال البسه خودشان و
 بعلاوه البسه خارجی هم ارزانتر شده
 است -
 حالا در اثر این قانون است یا چیز
 دیگر نمیدانم مثلاً پارچه که در سابق ذرعی
 شش تومان بوده حالا ذرعی دو تومان
 شده است -
 غرض تا این اندازه ترحم با اقتصادیات
 نمیشود - این است که بنده از آقایان

نمایندگان استعدا می کنم که در این خصوص
 بذل اهتمامی فرموده و بیکراه عملی جهت
 اجرای این قانون پیدا کنند و تا کندی
 فرمایند که وزارتخانه ها از این البسه پاکیزه
 و شفاف ادویا دست بردارند و پارچه های
 خشن وطن خودشان را بیوشند و الا گمان
 نمیکنم این قانون با ترتیب فعلی عملی شود
بعضی از نمایندگان - وارد دستور
 شویم -
رئیس - آقای تقی زاده از وزارت
 داخله استوالی داشتند - حاضر نیستند
رئیس - لایحه عوارض ورودی بلدی
 مطرح است -
آقای مدرس
 (اجازه)
مدرس - البته آقایان این لایحه
 عوارض ورودی بلدی را مطالعه فرموده اند
 من مخالفم با عوارض بلدی رغیر بلدی که بر
 ارزاق عموم تحمیل شود (بعضی از نمایندگان
 صحیح است)
 این دهوی من است اصل مالیات یعنی
 گرفتن وجهی از عموم جهت مصارف عموم
 این معنی مالیات است البته مملکت یک
 مخارجی دارد و هر کس مدیر مملکت است و
 اداره کننده مملکت است و مدیر جمعیت
 بهر اسمی و رسمی چه سماری باشد چه از رضی
 باید از عموم یک وجوهاتی بگیرد و بصرف
 لازمه همان عموم برساند البته مملکت یک
 مخارجی دارد شهر هم یک مخارجی دارد -
 ده هم یک خرجی دارد -
 حالا داخل در فلسفه مالیات و مخارج
 مملکتی نمیشوم که باید از کجا و چه اشخاص
 گرفته شود - آن قسمت باشد انشاء الله
 الرحمن در قانون ممیزی مفصلاً عرض میکنم
 فقط آنچه متعلق باین لایحه است مخارج شهر
 است که باید مخارج لازمه شهر از کجا
 گرفته شود ؟
 یقیناً باید از خود اهل شهر گرفته شود -
 برای خرج اینجهان میشود یک تحمیلی بر اهالی
 آذربایجان کرد - اگر بخواهند خندق
 طهران را تعمیر کنند من بدهم اگر مدیر
 باشم مخارج خندق شهر طهران را از شهر
 طهران میگیرم (فلسفه می خواهم بگویم) نظمی
 طهران باید مخارجش را از اهل طهران
 گرفته شود چون این مخارج مملکتی نیست -
 مخارج شهری است -
 حالا کلام در این است که چه طور باید
 گرفته شود - یک دفعه این طور است که
 می آیند و از هر سری یک چیزی میگیرند و
 میگویند هر کس که توی کوچه ها راه
 میرود یا توی خیابانها یا توی این شهر باید
 سالی یک قران یا تومانی بدهد یک قسمت
 دیگر این طور است که (بعقیده من این قسم
 خیلی خوب است) از اراضی میگیرند -
 این عقیده شخصی من است که مخارج
 شهر را از اراضی شهر باید گرفت خصوص
 از این خاکمی که مادر آن ایستاده ایم که

خاکری است و مفتوح العنواست و زمینش مال تمام مسلمان است (بعضی از نمایندگان صحیح است) هر وقت نشاند من پیشهاد کنم که مخارج شهر طهران را از کجا باید گرفت این مخارج را تحمیل بر اراضی میکنند. اگر یک خانه من در طهران دارم که هزار ذرع است در سال برای هر ذرع صد دینار سه شاهی پنجشاهی بدهم از زوی عدل و انصاف است فلسفه هم دارد.

(گفتند صحیح است) حالا آقایان بدیم که اولای امورند البته میدانند از این فلسفه هم میکنند حالا اگر نه بر سر میخواهد تحمیل کنند به اراضی بسیار خوب. بمبادات هم تحمیل نمیکند بسیار خوب بمخارج میخواهد تحمیل کند چون این چیزهایی که توی این لایحه نوشته است تمام یعنی قسمت اعظمش تحمیل بر مخارج است یعنی منکه سالی یک خروار آرد میخورم باید بگویم بدهم باسالی دو خروار ذغال خرج میکنم باید یک تومان بدهم این هوایدی که توی این لایحه نوشته اند تمام تحمیل بر مخارج است یعنی در مقابل آن فلسفه که آقای اصفهانی گفتند مالیات باید بر هواید باشد این بر مخارج است.

حالا از همه اینها هم بگذریم از سرانه و اراضی و مالیات بر عایدات هم که تنزل یول بدهد چون نمی دانستم اینجا یک قران نوشتانند. گفتیم این نوشته را ببر بدیم بمأمور میگویی یک خرجی داریم یک جیبی و بعقیده من باید بر خرج بر قلم تراش کار را جز باید تحمیل کرد نه بر چاقوی من که از شاخ بز است و صد دینار قیمتش است فقط بعقیده من در این لایحه دو قلم است که بر بوج تحمیل شده یکی خر بوزه و به اصفهان و گلایه نظنن دیگری قماش و جای و خرازی و بلور آلات آنوقت اینها را هم نوشته اند.

باری پنجقران و یک تومان در مقابل اینها گندم را نوشته اند باری دو قران مدس را باری چقدر او بیا را چقدر نخود را چقدر چقدر چقدر اینها صد تا دوست تا مفتش می خواهد آدم می خواهد که جمع آوری و تقشیش را بکنند و من عقیده ام این است که این تحمیلات را نباید بر ارازا ق عمومی کرد خوب است یک عرضی از قضیه کار خودم خدمت آقایان بکنم در هفته قبل که برف آمد و روز سردی بود یک شخص از اهل کوهستان بره می آورده است شهر بفروشد شخصی باو گفته است این بره را که حالا میبری دم دروازه یول از تو می خواهند و اسباب زحمت میشوند گفته بود من نمیدانستم یول ندارم گفته بود بگو میبرم برای مدرس (خنده نمایندگان)

این شخص هم که دم دروازه رسیده بود جلویش را می گیرند که بره را کجا می بری باید برد به قصابخانه تا معاينه

نمایند این مرد قصابخانه را هم غسل خانه خیال کرده بود گفته بود این بره را دادند تعارف ببرم. گفته بودند برای کی گفته بود برای مدرس. گفته بودند بسیار خوب بره را بردار و برو. ولی این بالا پوشت را اینجا بگذار و یک نوشته ای از مدرس بیآور که این بره مال من است.

این بیچاره بنده خدا که بره برای من بیآورده بود گرفتار شده بوده آمده بود در خانه من را سراغ گرفته بود. من هم در منزل نبودم غروب آمدم دیدم یک دهاتی تر شده در منزل نشسته است و به من گفت که قضیه ما این طور شده است. من هم یک چیزی برای مأمور دروازه نوشتم بابا تو هر کسی هستی عیای این شخص را بدید همین نوشته من را داشته باش و بعد بمن ارائه بدید هر چه میخواهی من خودم میدهم.

دو قران پول هم احتیاطاً گفتم به او دادند که اگر باین نوشته قناعت نکردند یول بدهد چون نمی دانستم اینجا یک قران نوشتانند. گفتیم این نوشته را ببر بدیم بمأمور میگویی یک خرجی داریم یک جیبی و بعقیده من باید بر خرج بر قلم تراش کار را جز باید تحمیل کرد نه بر چاقوی من که از شاخ بز است و صد دینار قیمتش است فقط بعقیده من در این لایحه دو قلم است که بر بوج تحمیل شده یکی خر بوزه و به اصفهان و گلایه نظنن دیگری قماش و جای و خرازی و بلور آلات آنوقت اینها را هم نوشته اند.

باری پنجقران و یک تومان در مقابل اینها گندم را نوشته اند باری دو قران مدس را باری چقدر او بیا را چقدر نخود را چقدر چقدر چقدر اینها صد تا دوست تا مفتش می خواهد آدم می خواهد که جمع آوری و تقشیش را بکنند و من عقیده ام این است که این تحمیلات را نباید بر ارازا ق عمومی کرد خوب است یک عرضی از قضیه کار خودم خدمت آقایان بکنم در هفته قبل که برف آمد و روز سردی بود یک شخص از اهل کوهستان بره می آورده است شهر بفروشد شخصی باو گفته است این بره را که حالا میبری دم دروازه یول از تو می خواهند و اسباب زحمت میشوند گفته بود من نمیدانستم یول ندارم گفته بود بگو میبرم برای مدرس (خنده نمایندگان)

منتهی باری پنجقران را یک تومان کنید یک تومان را دو تومان کنید آنهم بر برج که هم برای اقتصادیات نافع است هم زحمتش بر عموم نیست. بر اجناس خرازی و بلور آلات و از چیزهایی که اگر یک قدری برش تحمیل شود بر احتیاط انداشته باشد که مالیات ببندید و از ارازا ق عمومی بردارید. خیار نکنید یکقران کم است خیراگر یکقران دوقرانی که بر گندم و جو و ماش و لوبیا و غیره تحمیل شده حساب کنید من گمانم اینست که خیلی تحمیل زیاد است عوض این تحمیل خورده ها تحمیل درشت بکنید ضررش هم کمتر است انضباتش هم بهتر است زود هم میشود گرفت.

از یکقران گندم صرف نظر کنید و بلور یا خرازی آلات اضافه کنید. مثلا یکی از چیزهایی که بنده بکلی مخالف هسته اسباب و لوازم بنایی است از قبیل خاک و آجر و آهک و گچ که از او هم می گیرند. بنائی یکی از لوازم ضروری زندگانی اجتماعی است.

باید مصالحش را مهمالکن ارزان کرد که اگر خانه یک بیچاره خراب شد از عهده تعمیرش بر آید. حالا غیر از مالیاتی که از کوره بز و از یوشن و غیره میگیرند دم دروازه هم می گیرند و یک تحمیل فوق العاده ای است و باید سعی کرد که این تحمیلات را رفع کرد فقط دو قلم است که بعقیده من اگر بر آنها تحمیل کند ضرری ندارد خرازی و بلور آلات بر اینها تحمیل کنید آنهم جهت مخارج بلدیه و مصارف شهر نه برای خوردن اجزای بلدیه برای دار-الایتام - تنظیفات شهر دار المساکین و غیره.

اگر از جای باری دو تومان بگیرید و از برنج نگیرید از ماش و نخود لوبیا نگیرید چه عیبی دارد؟ ده تا یکقران را بردارید و روی جای ببندازید. جای که جزو ارازا ق عمومی نیست اگر ما همه مان جای خوریم یک قدری گرنگش می کنیم هیچ ضرری هم ندارد. نه برای دنیا - نه برای آخرت. اما از نان و گوشت نمی شود گرفت. و بنده یک عیب اساسی هم در این کار می بینم و آن اینست که ما کلیتاً اینطور مرفی می شویم که هیچ صلاح و فساد را تشخیص نمی دهیم. بر ارازا ق عمومی نباید تحمیل کرد خصوص برای اهل تهران من یک شخصی هستم که اکثر جاهای ایران را دیده ام و به عقیده من اهل تهران فقیر ترین مردم ایرانند. (بعضی از نمایندگان کان- صحیح است)

هر کس از روحیات مردم اطلاع داشته باشد و از حال خانه و دکان این شهر خبر داشته باشد و بیاندیشش اظهار حاجت بنمایند می دانند که اهل تهران از تمام جاهای ایران فقیر ترند نه کسب دارند و نه راه عایدی دارند و همین اختلافاتی هم که ما شب و روز داریم مزید بر فقر آنها شده است. پس باید ارازا ق این ها را توسعه داد و لااقل نگذاشت به ارازا ق عمومی تحمیل شود.

نگوئید یکقران چیزی نیست خیریک قران خیلی است حتی بعقیده بنده سه شاهی هم خیلی است. دلیل هم دارم در دوره چهارم که ما در کمیسیون بودیم خیلی از آقایان هم تشریف داشتند. آمدیم شهر به هائی که می خواستیم تعبیری بدیم خورده پیدا می کرد رای دادیم که خورده ها را بزنند. مثلا پنجقران سه شاهی با سه قران و ده شاهی خورده اش را بزنند. اهمیتی ندارد آقایان. هفته بدش چند نفر آمدند منزل بنده گفتند که این دفعه حقوق ما را کم کرده اند زن ها - فقرا - از این قبیل اشخاص بودند.

گفتم چطور کسر کرده اند؟ گفتند بلی از حقوق ما هفتصد دینار کسر شده است. این مبلغ را که ما در کمیسیون اهمیت نمی دادیم این بیچاره ها آنقدر اهمیت میدادند حق هم داشتند. پس یکقران برای اینها خیلی پول است. صد دینار هم خیلی است برای یک فقیر.

آنوقت ببینید چقدر از این صد دینارها یک قرانها جمع شود تا خرج میدان توپ-خانه بشود و یک کرم گل جمع شود سابقاً زمین شل بود آنها فرو میرفت ولی حالا که سفت کرده اند یک ذرع گل جمع میشود. (خنده نمایندگان) پس چقدر یکقران می خواهد تا در این میدان به این بزرگی یک ذرع گل جمع شود. در چهارده پانزده سال پیش از این وقتی باران می آمد آنها فرو میرفت و فرمایش میشد عبور کرد. اما ببینید چقدر یکقران خرج شده و باین محکمی شده است تا حالا یک ذرع گل توی این میدان می ایستد. پس از ارازا ق عمومی خصوصاً از اهل تهران که خیلی پریشانند بنده مناسبی دانم چیزی گرفته شود و بهتر این است بر جای تحمیل کنید. بر خرازی و بلور بر قماش خارجه و

فقره تحمیل کنید. جای یک من پنج تومان است پنج تومان و نیم شش تومان باشد - هفت تومان باشد ضرری ندارد و کسانم اینست مقتضای عدل و انصاف هم باشد. **داور** (مخبر کمیسیون) - گمان می کنم اساساً کار مخبر مخصوصاً مخبر کمیسیون قوانین مالییه آنهم بعد از بیانات یک نفر ناطق زبردستی مثل آقای مدرس خیلی مشکل باشد بخصوص در مملکت ما که روی هم رفته میل مالیات دادن یکی از آن میل هائی است که باید خیلی در اعماق قلوب مردم گشت تا شاید یک تیکه اش را پیدا کرد.

اساساً روح عمومی متقابل اینست که نباید چیزی داد. باین مناسبت هر وقت صحبت یک مالیاتی بشود یا بمجلس پیشهاد بشود کسانی که نمیخواهند با آن موافقت نمایند باید پیه این را ببن خودشان بمالند که یک هده از مردم فوراً بگویند عجب مردم بدی هستند هیچ خیر خواه نیستند. خیر خواه کسانی هستند که می آیند و از فقر و بدبختی مردم صحبت می کنند و شرح می دهند و طرفداری از فقرا می کنند.

همه هم شاید روی هم رفته این عقیده را داشته باشند که مالیات ندهند. خلاصه همانطور که آقای مدرس فرمودند غالب مردم در ایران و همینطور در تهران فقیرند و البته مردم فقیر هم نمی خواهند چیزی بدهند اغنیاء هم روی هم رفته چندان میل ندارند بدهند. وقتی هم که صحبت مالیات می شود اغنیاء از خودشان صحبت نمیکنند فقط یاد آوری می کنند که مردم فقیرند و فقر مردم را در نظر مجسم میکنند بالاخره با نگاه اشخاص فقیر خودشان را هم از دادن مالیات معاف میکنند. نظیرش را هم در مواقع دیگر در مالیات هائی که ابتدا تحمیل بر فقراء نمی شد دیدیم که فوراً صدای اغنیاء بلند شد.

مثلا همین مالیات اراضی را که آقای مدرس میفرمایند اگر یک وقتی اتفاق افتاد که بعنوان مالیات مستغلات صاحبان خانه ها وجهی بدهند. مثل اینکه همچو لایحه ای بر کمیسیون آمده آنوقت هم همین صحبت ها می شود. حالا پیش بینی نمی کنم ولی قطع دارم آن روز هم یک ناطق زبردستی می آید اینجا و فقر و فلاکت و بدبختی مردم را میگوید بستی که آدم متأثر میشود. مثلاً اینکه الان بنده از بیانات آقای مدرس متأثر هستم و فکر میکنم که چطور خودم را از نعت این تأثیر خارج کنم. لکن بعد از همه این مسائل بر میگردم

باصل قضیه که عبارت باشد از عوارض ورودی بلدی. چند سال است که این عوارض گرفته می شود. ما هم می گفتیم این عوارض نباید قانونی باشد این ترتیب که نباشد که بلدیه هر چه دلش میخواد بگیرد و باید از زوی یک قانونی باشد تا حالا قانونش به مجلس آمده است. ما مکرر در مجلس دیده ایم و هر کدام خودمان از این کارها کرده ایم که وقتی یک کاری را نمیخواهیم پیش برویم می گوئیم اساساً موافق هستیم اما ولی یک امانی هم دارد.

(اما) در ایران از آن چیزهایی است که وقتی در یک کاری در یک مطلبی. اما آمد یقین داشته باشید که آن کار از بین رفته است. باین مناسبت هر وقت صحبت یک مالیاتی بشود یا بمجلس پیشهاد بشود کسانی که نمیخواهند با آن موافقت نمایند باید پیه این را ببن خودشان بمالند که یک هده از مردم فوراً بگویند عجب مردم بدی هستند هیچ خیر خواه نیستند. خیر خواه کسانی هستند که می آیند و از فقر و بدبختی مردم صحبت می کنند و شرح می دهند و طرفداری از فقرا می کنند.

همه هم شاید روی هم رفته این عقیده را داشته باشند که مالیات ندهند. خلاصه همانطور که آقای مدرس فرمودند غالب مردم در ایران و همینطور در تهران فقیرند و البته مردم فقیر هم نمی خواهند چیزی بدهند اغنیاء هم روی هم رفته چندان میل ندارند بدهند. وقتی هم که صحبت مالیات می شود اغنیاء از خودشان صحبت نمیکنند فقط یاد آوری می کنند که مردم فقیرند و فقر مردم را در نظر مجسم میکنند بالاخره با نگاه اشخاص فقیر خودشان را هم از دادن مالیات معاف میکنند. نظیرش را هم در مواقع دیگر در مالیات هائی که ابتدا تحمیل بر فقراء نمی شد دیدیم که فوراً صدای اغنیاء بلند شد.

مثلا همین مالیات اراضی را که آقای مدرس میفرمایند اگر یک وقتی اتفاق افتاد که بعنوان مالیات مستغلات صاحبان خانه ها وجهی بدهند. مثل اینکه همچو لایحه ای بر کمیسیون آمده آنوقت هم همین صحبت ها می شود. حالا پیش بینی نمی کنم ولی قطع دارم آن روز هم یک ناطق زبردستی می آید اینجا و فقر و فلاکت و بدبختی مردم را میگوید بستی که آدم متأثر میشود. مثلاً اینکه الان بنده از بیانات آقای مدرس متأثر هستم و فکر میکنم که چطور خودم را از نعت این تأثیر خارج کنم. لکن بعد از همه این مسائل بر میگردم

چهارصد تومان عوارض بگیرند. بالاخره بنده برمی گردم باصل قضیه و از جای دیگر شروع میکنم. قناب فقراء که آقایان مثال میزنند واسطه اند. آنکسی که بره را آورده است در خانه آقای مدرس و یک هیکل فقیر و مفلولکی در نظر ما مجسم میشود خودش بره را نمی خورد بره را کسانیکه پول دارند میخورند. پس این شخص فقیر واسطه است آن کسانیکه گلایه نظنن را می آورند خودشان نمی خورند اشخاص یول دار میخورند و آن ها واسطه هستند. پس باید آن پول درها بدهند حالا کار ندارم آن کسانیکه گلایه نظنن یا خر بوزه اصفهان میخورند حتماً دارائی دارند یا ندارند و قرض و قوله می کنند بهر شکلی است میخواهند سر سفره شان گلایه باشد. پس همانها باید بدهند چون استطاعت خوردنش را دارند. باید آن میلی هم که روی گلایه کشیده شده بدهد اینجا واسطه را نباید آورد جلو و گفت گلایه را از دادن مالیات ورودی باید معاف کرد و بالاخره معلوم شد که برج یک چیزهای تجلی است.

مثلا فرمودند از جای باید مالیات گرفت جای بیشتر طرف احتیاج مردم است همان عمله که بره را آورده است از برنج میتوان صرف نظر بکنند صرف نظر هم می کنند. ولی اگر در سرمای سخت زمستان جای نخورد باو خیلی سخت می گذرد حالا اگر آقا عادت بچای ندارند و اهمیت هم نمی دهند و تصور میفرمایند جای از نقطه نظر احتیاج قابل ملاحظه نیست و طرف احتیاج مردم نیست این مسئله غیر از این است که مردم عادت بآن کرده اند مردم معتادند بچای و بیشتر طرف احتیاج مردم خورده یا است تا برنج که اصلاً دسترسی بآن ندارند چون یول ندارند.

ولی جای طرف احتیاج شان است بروید در قهوه خانه ها و ببیند که همین مردم فقیر چقدر خرج چای میکنند. پس از غالب این صحبت ها را وقتی که درش دقت کنیم یک قسمتش از برای تولیدی احساسات است از برای زمینه حاضر کردن برای آن رای آخری یعنی رای منفی. این قضیه را هم کنار میگذارم. بر میگردم باصل قضیه. اگر در این دوسه تلمی که آقا فرمودند

مثلا همین مالیات اراضی را که آقای مدرس میفرمایند اگر یک وقتی اتفاق افتاد که بعنوان مالیات مستغلات صاحبان خانه ها وجهی بدهند. مثل اینکه همچو لایحه ای بر کمیسیون آمده آنوقت هم همین صحبت ها می شود. حالا پیش بینی نمی کنم ولی قطع دارم آن روز هم یک ناطق زبردستی می آید اینجا و فقر و فلاکت و بدبختی مردم را میگوید بستی که آدم متأثر میشود. مثلاً اینکه الان بنده از بیانات آقای مدرس متأثر هستم و فکر میکنم که چطور خودم را از نعت این تأثیر خارج کنم. لکن بعد از همه این مسائل بر میگردم

مثلا میفرمایند از جای مالیات باید گرفت بسیار خوب میرویم راجع به بلور آلات دقت کنیم. می بینم آنجا هم خیلی چیزها هست که طرف احتیاج واقعی مردم است استکان است نعلبکی است. لو است. چراغ است. وقتی که دقت کنیم می بینم فقیر ترین مردم هم این احتیاجات را دارند. و بالاخره هر قدر هم که این مالیات عادلانه باشد و بقول آقای تومان کنیم معذمانی توانیم بگوئیم چهار صد تومان بده برای یکبار یا دوبار بلو آلات. این عادلانه است نه عادلانه.

پس وقتیکه کاملاً پیشنهاد ایشان را مطالعه نمایم عبارت از این میشود که در سال شما بیاید و عوارض ورودی بلدی را بر چند چیز معین تحمیل نمایم. عایدش را هم وقتی پیش بینی کنیم قدر میشود چهار پنج هزار تومان و باین ترتیب دیگر نمی شود اصلاً تقاضا داشت که شهر تمیز بشود روشن باشد.

البته بنده انکار نمی کنم بلدیه نواقصی دارد مثل سایر چیزهای مملکت. ولی با این عایدات غیر از این هم نمی شود کرد با این عایداتی که الان دارد نمی شود شهر و ولایت و از طهران را مثل کف دست صاف و تمیز و روشن کرد و در تمام نقاطش دارالعبزه دارالساکنین درست کرد. این تقاضا را نمی شود کرد زیرا عایدات این قدر نیست.

اگر آقایان بصورتیکه از بلدیه آمده مراجعه بفرمایند می بینند مخارج اداری بلدیه (بالنسبه بیک مملکتی که از هر طرف فشار وارد می آید که باید فلان آدم سر کار باشد چون فقیر است و چه وجهی متصل متصل توی اداره نوشته میشود) خیلی کم است و مخارج اداری زیادی ندارد البته زحمانی هم در این مدت کشیده شده بی انصاف هم نباید بود کلیه در مملکتی که ما می خواهیم کار کنیم باید تمام اطراف را در نظر داشته باشیم. روی انصافی نکنیم البته ایراد بهه چیز میشود گرفت و هر چیزی را بشود گفت نواقص دارد و خراب است ولی یک معایبی و یک فوائدی هم که باید از آنها هم تعریف کرد. و آنها را هم در نظر داشت. برای این که اشخاص تشویق بشوند بنده نمی خواهم این جا راجع باشخص صحبت کنم و با از کسی تعریف و تمجید کنم هیچ وقت هم میل ندارم عادت هم ندارم ولی بالاخره بطور کلی نباید هر مسئله که پیش می آید فوراً رفت و آن طرفی را که ناقص است چسبید

وصحت کرد.

مثلا گلهای میدان توپخانه را پنج ماه پیش دیدید که يك تل خاك بود خوب بود؟ بنده نمی گویم که حالا بهترین میدان های دنیا است

ولی وضع آن تا پنجاه یا پنجاه سال پیش فرق نکرده؟

شهر طهران چراغش بیشتر نشده؟ آخر اینها يك چیزهایی است که منکر محسوسات شدن است چرا باید اعتراضاتی کرد داخل شد در مسأله ای که بیشتر شباهت با اعتراضات شخصی دارد بنده عرض میکنم

راجح باین مالیات تصوری کنم باید از این جا شروع کرد که آیا بلدی باید داشت یا خیر و يك مخارجی باید کرد یا خیر اگر يك مخارجی باید کرد يك عایدی برای آن مخارج از اهل طهران باید گرفت.

یا از جای دیگر؟ و اگر چنانچه يك عایداتی از مردم طهران بخواهیم بگیریم چطور باید باشد؟ آقا می فرمایند از اوراق عمومی نگیریم.

مثلا از اراضی بگیریم بنده عرض می کنم شاید این ترتیب هم بشود در کمیسیون قوانین مایه هم يك چیزی شبیه باین هست لکن آنروز هم که مجلس بیاید در آن موضوع هم می بینیم موافقین کپها هستند مخالفین کپها و من تصور می کنم که آنروز هم مخالفتی خواهند کرد

و يك صحبتهایی هم می کنند. حرف این است که هر وقت يك قضیه را شما بگریه رویه گرفته ممکن است برله و علیه آن يك حرفهایی زد مثلا راجع به همان مالیات اراضی هم ممکن است بگویند آقا این مردم طهران خانه ندارند. خانه دارائی نیست خانه برای این است که باید چند جا کرو بگذارند بالاخره باید درش زندگانی کنند.

چطور میشود از خانه مالیات گرفت مردم بقدری مستاصل هستند که نمیتوانند خانه خراب خود را تعمیر کنند.

در حال امروز ما از آنها صحبت نمیکیم که آن دلایل را بیاورم و بنده هم کاری بان صحبتها ندارم.

آقا چند قسم مالیات خودشان فرض کردند يك قسم ارشخاص بود که خودشان هم رد کردند يك قسم دیگر مالیات اراضی بود که آن مالیات اراضی هم خواهد آمد

و انشاء الله برای اینکه بلدی بیشتر توسعه پیدا کند و بیشتر بتواند فقر را جمع کند شاید تصویب شود.

يك قسم هم راجع بود مالیات بر برج آن هم تشخیص خیلی مشکل است مثلا آقا چای راجع برچ میداند.

بنده جای را برای ما از چیزهای ضروری میدانم علاوه اشکال دیگر این است اشیا عجمی که میفرمایند اینقدر زیاد

نیست که اگر يك مالیاتی هم تحمیل بآنها بشود آنقدر عایدی زیادی بشود پس بنابراین بر میگردیم به همین مالیاتی که الان این جا هست و عرض میکنم يك قسمت زیاد از آن تحمیل میشود بر اشخاصی که مصرف می کنند نه بر آن کسی که واسطه است آن رعیتی که در هر دروازه يك ساعت معطل میشود توی راه هم زحمت میکشند و رانند باید دلیل آورد.

او مالیات نمی دهد معطلی او هم مثل سایر زحماتی است که میکشند باز میاندازد بار بر میدارد مشتری پیدا می کند ولی بالاخره این مالیات را از او نمی گیرند از کسی میگیرند که خرج میکند اما اینکه میفرمایند مالیات از اوراق نگیرند.

خوب آقا مالیات ملکی را که از مردم میگیرند پس چیست روی هر فرقه تمام حبوبت و اینها يك مالیاتی میدهند بلی این يك اصلی است که باید سعی کرد از اوراقی که نان فقراء است خیلی مالیات نگیرند ولی همه اینها يك صورت ندارد.

مثلا مرکبات آیا اینها يك چیزهاییست که فقراء میخورند و صرف میکنند؟ شیروانی مالیاتش کم است.

مخبر - کم است اضافه کنید هم چنین راجع به سایر مالیاتهایی که این جا هست یا همان بره که آقا صحبت کردند.

مرغ تخم مرغ خیلی از اینها را اشخاصی مصرف می کنند که عایداتی داشته باشند بنابراین تصور میکنم آقا باین لطف بفرمایند و باین ترتیبی که در مجلس معمول شده توجه بفرمایند چون هر وقت يك عوارض را میگیرند فریاد بلند است که قانونی نیست بیاورند قانونش کنند وقتی هم که میآورند بصورت قانونش در آورند این ایرادات گرفته میشود و این باعث این میشود که دولت آن مالیاتهایی را که میکشد غالباً جرأت نکند مجلس بیاورد برای اینکه هر وقت مجلس بیاورد برمی خورد با شکالات.

چرخهای مملکت راهم که نمیشود خوبانید بنابراین خوبست موافقت بفرمایند و اگر در بعضی مواد اصلاحاتی دارند البته پیشنهاد بکنند و بالاخره يك طوری بشود که عوارض ورودی يك صورت قانونی پیدا کند.

بعضی از نمایندگان مذاکرات کافی است.

بعضی دیگر کافی نیست رئیس - آقا باینکه مذاکرات کافی میدانند قیام فرمایند.

(عده برخاستند)

رئیس - معلوم میشود کافی نیست آقا ی زعیم

(اجازه)

زعیم - آقا ی داور در جواب بیانات آقا ی مدرس شرحی فرمودند که بنده قبلا يك قسمتی از آنها را باید جواب عرض

کنم بعد دلیل مخالفت خودم را عرض میکنم.

ابتدا فرمودند میل مالیات دادن در کسی نیست و هر کس که در این مملکت بخواهد يك مالیاتی وضع کند شاید منفور واقع میشود و هر کسی که طرف مخالفت را بگیرد شاید محبوب باشد بنده بکلی در این مملکت غیر از این می بینم مردم ایران بالاخص نسبت بسایر نقاط شرق خودتان هم ملاحظه فرموده اید.

با روی انصاف نگذارید به بینید تا چه حدي يك مکاری که از چند فرسخ می آید اینجا در بین راه در تابستان گرما و در زمستان سرما می خورد خرجش تمام می شود.

آمده است اینجا که از پس کرایه اش يك عایدی پیدا کند یا از فروش بارش يك عایدی ببرد آنوقت درب دروازه او را چند ساعت معطل می کنند و زنجیرش را از او میگیرند بنده خودم تمام مراحل مالیه را طی کرده ام برای تقشیر درب دروازه هم رفته ام و دیده ام که چقدر اسباب زحمت مکاری است این قبیل مالیات بالاخص که يك چیز تازه است. اگر چه معمول است. نمیگویم نیست ولی حالا میخواهیم صورت قانونی بدهیم.

بنده بزحمت مراسم را گیر آوردم دیدم مخصوصاً در آنجا ارزاق استثناء شده ازدادن مالیات

آقا شایع محمد علی طهرانی - عده کافی نیست برای مذاکره.

رئیس - کافی است.

زعیم - باری عرض میکنم مذاکراتی که در این مجلس از طرف اشخاص میشود غالباً بنده می بینم چند روزش با چند روز بعد اختلاف کلی پیدا می کند.

يك وقتی بنده می بینم مثلا آقا ی داور عقیده شان باین می شود که تمدن اروپا را باید استقبال کرد و بر روی این فلسفه در آن قانونی که مطرح است مذاکرات میکنند آنوقت يك دفعه می بینم طرفدار این قضیه می شوند که وضع مالیات بر ارزاق است.

اساساً در کجای دنیا این شکل مالیات درب دروازه می گیرند در همان جا هائی که الاغ دارند و راه آهن ندارند که بیاید توی استاسیون بایستد و این جوری مثل مملکت ما ظاهر و خردارند که چادرم دروازه بچه یکی را میگیرند که بارش را ببینند چقدر است و چقدر باید بگیرند بنده نمی خواهم اینجا بدهی کنم و بگویم بیچاره بدبخت برزگر بیچاره مکاری ایوای ملت بیچاره و بدبخت کاین مالیاتها برش تحمیل می شود.

بنده از این قسمت دورم اما يك قسمتی که میخواهم نظر آقایان را بآن توجه بدهم این است که هنوز در مملکت ما مشروطه تعمیم پیدا نکرده و آن وزشت

طوری که باید ریشه دوانده باشد ندوانده است.

ما باید خیلی سعی بکنیم که در این قسمت ها تنفر مردم را حاصل نکنیم. این قسم مالیات که می آید در درب دروازه جلومکاری را می گیرند.

شولایش را برمی دارند تار و پودول تهیه بکنند بیاورد اسباب تنفر عمومی است.

خودتان هم ملاحظه فرموده اید با روی انصاف نگذارید به بینید تا چه حدي يك مکاری که از چند فرسخ می آید اینجا در بین راه در تابستان گرما و در زمستان سرما می خورد خرجش تمام می شود.

آمده است اینجا که از پس کرایه اش يك عایدی پیدا کند یا از فروش بارش يك عایدی ببرد آنوقت درب دروازه او را چند ساعت معطل می کنند و زنجیرش را از او میگیرند بنده خودم تمام مراحل مالیه را طی کرده ام برای تقشیر درب دروازه هم رفته ام و دیده ام که چقدر اسباب زحمت مکاری است این قبیل مالیات بالاخص که يك چیز تازه است. اگر چه معمول است. نمیگویم نیست ولی حالا میخواهیم صورت قانونی بدهیم.

بنده بزحمت مراسم را گیر آوردم دیدم مخصوصاً در آنجا ارزاق استثناء شده ازدادن مالیات

آقا شایع محمد علی طهرانی - عده کافی نیست برای مذاکره.

رئیس - کافی است.

زعیم - باری عرض میکنم مذاکراتی که در این مجلس از طرف اشخاص میشود غالباً بنده می بینم چند روزش با چند روز بعد اختلاف کلی پیدا می کند.

يك وقتی بنده می بینم مثلا آقا ی داور عقیده شان باین می شود که تمدن اروپا را باید استقبال کرد و بر روی این فلسفه در آن قانونی که مطرح است مذاکرات میکنند آنوقت يك دفعه می بینم طرفدار این قضیه می شوند که وضع مالیات بر ارزاق است.

اساساً در کجای دنیا این شکل مالیات درب دروازه می گیرند در همان جا هائی که الاغ دارند و راه آهن ندارند که بیاید توی استاسیون بایستد و این جوری مثل مملکت ما ظاهر و خردارند که چادرم دروازه بچه یکی را میگیرند که بارش را ببینند چقدر است و چقدر باید بگیرند بنده نمی خواهم اینجا بدهی کنم و بگویم بیچاره بدبخت برزگر بیچاره مکاری ایوای ملت بیچاره و بدبخت کاین مالیاتها برش تحمیل می شود.

بنده از این قسمت دورم اما يك قسمتی که میخواهم نظر آقایان را بآن توجه بدهم این است که هنوز در مملکت ما مشروطه تعمیم پیدا نکرده و آن وزشت

يك عده زشت را می بینند مخالف هستند ولی وقتی منطق و دلیل و برهان و فلسفه صحیح بود مخالفت چه اثری می دهد.

لیکن عرض میکنم و اساساً خود آقای داور هم با تماس و سابقه ای که با خلاق و فکر ایشان دارم گمان نمیکنم ایشان هم در حقیقت نفس الامر بگویند که بار لویا را باید درب دروازه سه قران ارزش گرفت و بیچاره مکاری را درب دروازه معطل کنند و شولای او را گرو بکشند.

اساساً ببینید این شکل چقدر اسباب زحمت است؟

اساس مخالفت بنده یکی این است که اصلاً اینطرز مالیات مخالف عقیده و مسلک و فلسفه بوده است و اسباب زحمت مردم و اسباب تنفر عمومی میشود و بالاخره چیزی که وضع بشود بر ارزاق عمومی همانطوری که آقای مدرس فرمودند مالیات بر خرج آنهم خرج لازم و حتمی و خوراک مردم.

بنده این را غلط می دانم. و اما يك قسمت دیگری را که می خواستم تذکر آ عرض کنم آن اطلاعات مالیاتی است که داریم و میخواهیم عرض کنم در قسمت اداری برای جمع و ضبط این گونه مالیات ها خرجهای زیادی باید بشود که ابدأ ارزش ندارد.

ملاحظه بفرمایید در این بودجه هائی که از دوره های سابق فرستاده اند مجلس قسمت مالیات های مستقیم خاصه همان قسمت نواقل را به بینید تقریباً توانی شش قران هفت قران خرج تقشیر و ضبط عایدات آن میکنند.

چیزی هم که هست اینست که غیر از این شکل هم که اداره میکنند هر مدیری هم باشد بهتر نمیشود اداره کرد اصلاً این شکل گرفتن مالیات از مکاران که میخواهند قاچاق بکنند و مکاری که پنجاهای رایش خیلی اهمیت دارد.

البته همیشه پی اینچور کارها میگرد خبلی مشکل است.

يك قسمت از مخالفت من راجع باین است و خیلی خوشوقت میشوم اگر کمیسیون قوانین مالیه خودشان این را تقاضا می کردند که این لایحه از دستور خارج میشد و قانون مستغلات را که يك قانونی است که در همه جای دنیا معمول است مقدم می داشتند.

خودشان هم می دانند بنده هم گمان می کنم در تهران تکافوع مخارج بلدی را بکنند.

رئیس - آقای سر کشیک زاده (اجازه)

سر کشیک زاده - عرضی ندارم رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده اولاً از آقای داور که مخبر کمیسیون قوانین مالیه هستند معذرت میخواهم زیرا مخالفت کردن بنده راجع بمالیات تصاعدت داشت و آن علت در اینجا موجود نیست.

علتی که بنده در آنجا مخالفت کردم از این نقطه بود که عواید مملکت آنچیزهایی که عنوان عایدی و مالیات دارد من که میکنم از نمایندگان هستم نمی دانم چطور معترف میشود.

چون نمی دانم و مصرفش هم غیر معین است و طریق اخذ و وصولش معلوم نیست این بود که بنده مخالفت کردم.

اما آن فلسفه در اینجا نیست اینجا از روی علم و اطلاع و حقیقت واقع می دانم که هر چه اخذ بشود بمصرف میرسد.

آقایان میفرمایند ارزاق عمومی آقا؛ منافع هم عمومی است.

بلی نباید مالیات بر ارزاق عمومی قرار داد اما آیا نباید منافع عمومی را هم در نظر گرفت و ملاحظه کرد؟

بلدی تهران تشکیل شده است برای منافع و راحتی اهل شهر.

اهل تهران که میخواهند بلدی داشته باشند که اسباب راحتشان باشد.

دارالمرجع داشته باشند دارالمساکین دارالرضاعه. مریضخانه داشته باشند. در هر جا مستراح داشته باشند. آبش خوب باشد.

آیا نباید مالیات بدهند؟ مالیاتی که بعنوان عواید بلدی است آیا نباید از خود اهل شهر گرفته شود؟ پس باید از کجا بگیرند؟

میفرمایند ارزاق عمومی بنده عرض میکنم منافع هم عمومی است آقای زعیم فریاد می زنند و حمله به آقای داور میکنند که چرا میگویند تمدن اروپائی را ما باید استقبال کنیم و اینجا برخلاف تمدن حرف میزنند.

بنده مطابق تحقیقاتی که کردم از آقای سالار لشکر و آقای مصدق السلطنه این هم موافق همان تمدن اروپائی است.

مالیات گمرکات شهری است. يك لفظ فرانسه هم دارد که بنده یاد نکردم. درب دروازه ها می گیرند و حالا که آقای داور زمینه دستشان آمد البته در این باب شرح خواهند داد.

همین مالیات را درب دروازه پاریس هم که انشاء الله تشریف میبرید میبینید گمان می کنم در تهران تکافوع مخارج بلدی را بکنند.

پس چیزی نیست که اینجا مورد حمله قرار بدهند و بگویند ای داد و بیداد ارزاق عمومی.

آقا فرمودند و الله قسم اهالی طهران خیلی فقیرند جسارت میشود ماها انقلابی

ما اهالی را باین بدبختی و فقر انداختیم هر وقت خواست يك امنیتی و راحتی برایشان پیدا بشود جلو آن گرفتیم. وقتی که در مملکت امنیت نشد مملکت فقیر میشود و وقتی که امنیت شد و قوای دولت در اقص نقاط مملکت ساری شد مرکز هم قوت پیدا می کند.

پس ما باید قدمهایی برداریم و اقدام کنیم بيك کارهای بزرگی. هر چه بنده ملاحظ کردم دیدم مخالفت کردیم راجع بمالیات تصاعدت آن فلسفه بود که عرض کردم چون نمی دانم مصرفش چیست و شاید بمصرف میز و صندلی برسد و شاید بدست مأمورین داده شد که اسباب زحمت و فشار مردم بشوند.

اما این را بنده میدانم می بینم که با اصطلاح میگویند و در دو تا چهار تا است دیگر بحرف ندارد.

میدان توپخانه را در این شهر طهران میگردیم می بینیم تمام آقایان چند سال قبل را در نظر بیاورند به بیند از آن روزی که اداره بلدی در دست این کفیل فعلی داده شده است چقدر ترقی کرده است و چه قدر خدمت نسبت به بلدیها شده است؟

کازرونی - خیلی زیاد آقا سید یعقوب. و همینطور نسبت به مؤسسات بلدی که ما میخواهیم مسلماً اینها پول لازم دارد. پول را از کجا بیاوریم.

مامی گوئیم آب خوب لازم داریم شهرمان هم باید بيك یا کیز باشد. تمام مؤسسات بلدی هم خوب باشد.

لیکن چطور میشود ایجاد بشود؟ فبراز اینکه بگوئیم بقوه معجزه؟

ولیکن مالیات آن را نداریم که بگوئیم بقوه معجزه خداوند تعالی برای ما خلق الساعه بکنند.

باید آن کسی که فنیست می برد فراموش هم بدهد ما که میخواهیم استفاده کنیم از چراغ برق باید مخارج آن را هم بدهیم.

ما که میخواهیم استفاده کنیم از خیابان خوب مخارج آن را هم باید بدهیم این این آدمی سر مسائل و جزئیات که بیان کردند.

یکی از آنها تحمیل بر آن فقیر که با اصطلاح آقای داور صورت آن را جلوی چشم مجسم می کنیم و بعد از تجسم صورت آن بیچاره رأی می دهیم.

آن فقیر بیچاره که از شمیران آمده و آب از همه جایش جاری است. پول از او نمیگیرند و گردن ماست که میخیریم.

این پول را ما می دهیم که پول برنج و مرغ و تخم مرغ را می دهیم. تمام موهوبات را ما می خوریم که از این شهر استفاده می کنیم و آن فقیری که در سرما مایمی شود

پولهای هم که گرفته ایم بفلان مصارف رسانده ایم. اگر آقایان ایرادی دارند که فلانجا اسراف شده است ایراد کنند و الا بنده از تصدق بانکه ما بلدیها لازم داریم مصارف

می آید اینجا از همه جلوتر هم ما را میچاید بر او هیچ تعلق نمیگیرد

یک نفر از نمایندگان - مذاکرات کافی است

آقا سید یعقوب - بنده تعجب میکنم آقا؛ شما حق ندارید در بین صحبت بنده بگوئید مذاکرات کافی است.

آقای رئیس خودشان می دانند شما حق ندارید.

رئیس - گفتند عده کافی نیست آقا سید یعقوب - خبر همه کافی است چند نفر هم که آمدند و همه دیدند بنده در حضور مبارک عرض میکنم که ایشان حق ندارند.

عرض دیگر آمدیم سر این اعلامی که در این لایحه نوشته شده است. اگر آقایان مخالفین ایرادی دارند در این اعلام یا از جهت وصول و خرجش همین مجلس شورای ملی رأی داد پیشنهاد آقای امیر حشمت و جمعی از آقایان که مخارج و عواید بلدی ما. سه ماه باید بطبع و توزیع شود که هم نمایندگان بدانند هم اهالی طهران که این پولهای که داده اند کجا مصرف شده.

ورقه آن را هم طبع و توزیع کردند یعنی ماها. اگر ما يك ایرادی داریم که فلان مصرف غلط است یا بیجا شده است یا طریق وصول صحیح نیست باید بگوئیم بنده ناچارم اینجا داخل بشوم در يك مسئله علمی اولاً بلدیها لازم است یا نه؟ باصلاح حکما میانه ای هست نیست واسطه نیست.

بلدیها لازم داریم یا نداریم؟ کازرونی - نداریم ما برای کسانی میگوئیم که لازم دارند. برای شهر تهران می خواهم برای جانی می خواهم که بارالمان دارد.

بعد از اینکه قائل شوم بودجه بلدی مصارف می خواهد.

حالا آمدیم سر مصارفش؛ از عواید عمومی که باید در خزانه مملکتی وارد شود که نمیتوانیم مصارف بلدی طهران بکنیم این مسلم است.

بملت اینکه مالیات مملکتی بک مصارف معینی دارد.

حالا که برای بلدیها مصارفی قائل شدیم مصارف و مخارج آن را باید از کجا تهیه کرد؟ غیر از مردم شهری که از وجوه بلدی و مؤسسات بلدی استفاده می کنند باید گرفت؟ مخارج بلدی را که معین کرده اند می گویند این هم عوایدش است.

پولهای هم که گرفته ایم بفلان مصارف رسانده ایم. اگر آقایان ایرادی دارند که فلانجا اسراف شده است ایراد کنند و الا بنده از تصدق بانکه ما بلدیها لازم داریم مصارف

هم میخواهد منافع و قوای آن هم عاید عامه می شود و یک مؤسساتی است عام المنفعه که عموم از آن استفاده میکنند.

بعد از قبول این مقدمات ما دیگر نمیتوانیم در هر جا که میسریم جلو فلانمخارج را بگیریم.

هر مخارج را که جلوش را بگیریم یک مؤسسه عام المنفعه را از بین برده ایم دارالعبزه اش را از بین ببریم؟ دارالاساکین را از بین ببریم کدام یک از اینها که واقعا برای یک ملتی اسباب آبرو است و زنده گوی یک ملت زنده است باید از بین برده؟

ملت زنده ملت است که مؤسسات عام المنفعه داشته باشد اگر مؤسسات عام المنفعه نداشته باشد آن ملت زنده نیست.

امروز که ما میگوئیم ملت زنده هستیم بفکر عمومی افتاده ایم و برای منافع عمومی قدم میزنیم چطور میتوانیم مخالفت کنیم؟ حالا اگر ایرادی دارند بگویند که فلان مصرف در فلان موقع غلط است و الا ما با این استفاده عمومی گمان نمیکنیم بتوان مخالفت کرد.

(بعضی گفتند مذاکرات کافی است)

رئیس - رای میگیریم برای شور مواد

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی نیست.

رئیس آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

رئیس - اکثریت است. رای میگیریم برای شور در مواد آقایانی که تصویب مو کنند قیام فرمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول در صورتیکه بدون ظرف در عراب ریخته شده باشد از قرار وزن هر خرواری دویار محسوب میشود از بقرهای الاغی نصف عوارض مقرر در یافت خواهد گردید

رئیس آقای محمد ولی میرزادر این باب مخالفند؟

راجع بقسمت اول حیوانات؟

محمد ولی میرزا - بلی بنده هم بطوری که بعضی از آقایان شرح دادند و بیاناتی اظهار فرمودند در قسمت وضع عوارض بر اوزان که عبارتست از غله و سبزی و حبوبات و میوجات و صیفی جات مخالفم و البته لازم نمی دانم که تشریح کنم و عملی عرض کنم

در کلیات آقای مخیر اظهاراتی فرمودند بنده در یک قسمت از آنها همیشگی و شریک هستم و البته مالیات بر مصارف مالیات بر برج نیست زیرا یک قسمت عمده از عوارض اشخاص صرف مصارف می شود و هر کس یک سهم

بترین باری ۱۰ قران
مرکبات از هر قبیل باری ۳ قران
انگور سیاه - قارچ - شاه بلوط باری ۴ قران

گندم و جو و آرد باری ۲ قران
مصالح بنائی الف آجر و سنگ باری ۱۰۰ دینار

ب کچ باری ۱۵۰ دینار
ج آهک باری ۳۰۰ دینار
د تیر باری ۵۰۰ دینار

ه الوار و گردنه باری ۱ قران
ذغال سنگ باری دو قران
قند - شکر آهن باری ۵ قران

کلیه قماش - قالی - چائی - خرازی بلور آلات و سایر مال التجاره غیر از آنچه مالیات علیجده برای آنها تعیین شده باری ۱۰۰ دینار

تیسره ۱ اقلام ذیل از ادای عوارض ورودی بلدی معاف خواهند بود

الف - سبزیجات و صیفی از قبیل خیار هندوانه و خربوزه و امثال آن

ب بونه هیزم - ذغال چوب ج - میوه جات

د - هلف تر و خشک و یونجه ه - دروغن کره و لبنیات

تیسره ۲ - بار عبارتست از محمول یک قاطر و یا یک شتر چنانچه بار مرکب از اجناس مختلفه باشد

عوارضی که بر جنس اعلاء آن تعلق میگیرد برای یک بار تمام اخذ و بقیه معاف خواهند بود

در صورتیکه جنس بوسه صله را به حمل شده باشد چنانچه در صندوق یا جوال یا این قبیل ظروف باشد

دو بسته یک بار محسوب میشود مشروط بآنکه یک بسته از ۲۵ من تجاوز ننماید و در صورتیکه بدون ظرف در عراب ریخته شده باشد از قرار وزن هر خرواری دویار محسوب میشود از بقرهای الاغی نصف عوارض مقرر در یافت خواهد گردید

رئیس آقای محمد ولی میرزادر این باب مخالفند؟

راجع بقسمت اول حیوانات؟

محمد ولی میرزا - بلی بنده هم بطوری که بعضی از آقایان شرح دادند و بیاناتی اظهار فرمودند در قسمت وضع عوارض بر اوزان که عبارتست از غله و سبزی و حبوبات و میوجات و صیفی جات مخالفم و البته لازم نمی دانم که تشریح کنم و عملی عرض کنم

در کلیات آقای مخیر اظهاراتی فرمودند بنده در یک قسمت از آنها همیشگی و شریک هستم و البته مالیات بر مصارف مالیات بر برج نیست زیرا یک قسمت عمده از عوارض اشخاص صرف مصارف می شود و هر کس یک سهم

عنده از عوارضش را بالاخره باین طریق مصرف میکنند و در آن موقعی که مصرف میکنند مسلما چون یک وجه نقدی تهیه کرده است بهترین مواد است که برای رفع حوائج اجتماع همه مشارکت کنند و در همان آن یک چیزی ما خود بشود و این ترتیب از هر چه هم برای دهنده هم برای گیرنده خیلی سهل تر عمل میشود و بصره نزدیکتر است

بملت این که در آن موقع دیگر هیچ اشکال پیدا نمی کند و آن کسی که میورد قهوه خانه صد دینار پول میدهد و یک فنجان چای صرف می کند در آن صد دینار در واقع یک چیزی از بابت عوارض داده است بدون اینکه خودش باین مسئله برخورد باشد یک وجهی تهیه کرده است یا بعنوان برج یا بعنوان مصرف در هر حال وجهی موجود داشته است و داده است و در شکم آورفته و از آن قسمت یک چیزی را جمع می شود بیت المال و دولت بعنوان عوارض بلدی یا مالیات عمومی از او اخذ کرده است

ولی باین تفصیل بنده در مسئله ارزاق بطوریکه عرض کردم مخالفم چرا؟ راست است که در موقعی که گشایش و وفور نعمت است

چندان ذی اثر نیست چون وقتی که کسی میورد یکمن نان بخرد اگر در یک من نانی که دو قران و یک کیبای قیمت دارد صد دینار بدولت مالیات بدهد در مواقع عادی ابدی بجائی بر نمیخورد و تعمیل زیادی هم نیست که نتواند بدهد دولت ببلدیه هم آن استفاده که باید بکنند میکنند

ولی اگر یک تنگنائی پیدا شد بطوری که قابل پیش بینی هم هست آنوقت نمیشود گفت اگر تنگنائی پیدا شد ما فوراً آن قانون را لغو میکنیم.

شاید ما باشیم که آن را لغو کنیم در آن موقع این مالیات خیلی ذی اثر است و در این قبیل مواقع باید اشخاص بی بضاعت از قوت خود و اولادشان کسر نمایند مثلا در اینجا مینویسد گندم باری دو قران البته یک بار نیست و پنج منی دو قران در وهله اول چندان مهم بنظر نمیاید و هر من آن هشتاد دینار میشود.

ولی در آن موقعی که سختی پیش آمد آن کسی که باید آن دو قران را در روز تحصیل نماید و آن را بدهد چهار تا پنج تانان بگیرد که اولادش صرف کنند و خودش هم تجدید قوت نماید که بتواند عملی کند در آن مواقع سختی اگر درست وقت بفرمائید از چهار یا پنج تانان که باید بگیرد یکی از آنها را نمیگیرد و آن یکی بعنوان عوارض کسر میشود در این صورت تصدیق بفرمائید که در موارد خاص این مالیات ظالمانه میشود و بنده در پیشنهادی

که تقدیم کرده ام در آنجا ذکر کرده ام کلیتاً حیوانات از هر گونه عوارض معاف باشند و بطوریکه بعضی از آقایان فرمودند بنده هم تصدیق دارم که اگر مابک قلم نه روی این اقلام بکشیم ممکن است یک مقدار کثیری از عوائد بلدی به کاسه شود بنده با کسر عوائد بلدی مخالفم ولی معتقدم که غله و سبزیجات و صیفی جات از دادن هر گونه عوارض معاف باشند و از راه دیگر معری پیدا کنیم که از آنها عوارض بگیرند و صدقه هم ب مردم نخورد و عوائد هم زیاد تر بشود و خیلی هم سهل الوصول باشد.

مثلا بر نوتون که در جزء اقلام کمیسیون نیست و خیلی هم زیاد مصرف می شود.

بنده پیشنهاد کردم از آن مبلغی بام عوارض ورودی بگیرند و همچنین تنباکوی شیرازی که یک چیز تجلی است آن کسی که تنباکوی شیرازی رایگنم سه تومان و چهار تومان میخرد ضرر ندارد که چهار قران هم بدولت مالیات بدهد همچنین آبلیمو تمام اینها چیزهای تجلی است و تشخیص اشیاء تجلی هم خیلی سهل است و مقدار و کمیت یک شیشی باقیمت آن آرا تجلی میکند و همچنین از سیگار برگی یا توتون سامصون از آنها هم مالیات بگیرند و مخصوصاً فرمایشاتی که آقای مدرس فرمودند.

بنده کاملا تصدیق دارم و این مسئله هم چیز جدیدی نیست و در تمام دنیا هم هست و مالیات بر مصارف یکی از مالیات های بزرگ است مثل مالیات مستقیم یا غیر مستقیم.

ولی در آنجا این مصارف را تشخیص میدهند و از باریک تومانی اگر اقتضا کرد پنج تومان میگیرند برای اینکه تجلی است و بر حسب اقتضا هم ممکن است از بار یک تومانی بگیرند بگردد چه دلیل دارد که از منسوجات ابریشمی و پشمی این اندازه کم میگیرند این کمیسیون اقتصاددانان که ما انتخاب کردیم برای جلوگیری از ورود همین اشیاء تجلی بود در دوره چهارم مامی گفتیم که باید از ورود اشیاء تجلی جلوگیری کرد و عملی نشد و اگر باحصایا کمربک مراجعه کنند ملاحظه میفرمائید که قریب دو بیست هزار تومان قوطی های ما کولات بنام کنسرو وارد شده است.

پس آن کسی که میخواهد مامی کند بخرد و پول زیاد تر بدهد و هر اندازه هم که ممکن است بارش کند چه اهمیت دارد او یک اشخاصی هم هستند که خیلی میل دارند از آن کنسرو بخورند.

بسیار خوب باید صدی شصت یا صدی هفتاد عوارض ورودی برای آنها بدهند این هم یک قلم خیلی بزرگی است و شاید در کمیسیون فراموش کرده اند چون این

حذف و بجای آن چند قلم دیگری که عرض کردم اضافه شود و به آقایانی که ممکن است از کسر عایدات نگرانی داشته باشند اطمینان میدهم که به هیچوجه عوائد کسر نمیشود بلکه حاضریم که برویم حساب کنیم تا آقایان ببینند که علاوه هم می شود.

بعضی از نمایندگان - خوبست تنفس داده شود.

رئیس - در موقع تنفس باید شعبه دوم و پنجم و ششم تشکیل شده و سه عضو برای کمیسیون عرایض تعیین کنند

چون کمیسیون عرایض مدتی است سه عضو ندارد و کافتجات همینطور باقی مانده و آقایانی هم که اجازه میخواهند تکلیفشان معلوم نیست.

مدرس - در شعبه دوم خواستیم بکنفر را انتخاب کنیم کسی قبول نکرد حالا نمیدانم باید از خارج معین کنیم یا نه؟

رئیس - چاره ندارد باید یک نفر قبول کند

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - آقای داور (اجازه)

داور - بنده گمان میکنم در دفعه اولی که دلائل کمیسیون را راجع به عوارض پیشنهادی عرض کردم غالب دلائلی که آقایان مخالفین قبالا و بعد اظهار فرمودند جواب داده باشم بجهت این که بیاناتی که بعد آقای زعیم کردند شبیه بود بهمان فرمایشاتی که آقای مدرس فرمودند و این مسئله که آقای زعیم در ضمن بیانات خودشان تذکر دادند که بنده

معتقدم باینکه بایستی از دنیای متمدن سرمشق گرفت و طرز زندگی گمانی متمدن را در امور اقتصادی و امورات اداری مملکتی سر مشق قرارداد این عقیده را بنده گمان میکنم که نه ایشان از نقطه نظر اعتراض بن فرمودند و نه اینکه بنده از این ترتیب استغناک داشته ام بلکه همیشه میل داشته ام طرفدارم از برایش پیدا کنم و امید وارم تا وقتی که این مملکت طرز زندگی گمانی را برنگرداند و از دیگران یاد نگیرد همیشه به همین حال فقر و بختی و بیچارگی خواهد ماند و بلکه بدتر هم خواهد شد و شاید یک وقتی پیش نیاید که دیگر هیچکس نتواند زندگی ما را نجات دهد

ولی بالاخره باید گذاشت که تمدن اروپائی در این مملکت بیاید و بدبختی اینست که در موقع صحبت کسی مخالفت نمیکند

تنها نه از نقطه نظر اینکه عوارض ورودی طهران زیاد میشود بلکه از نقطه نظر اخلاقی و اقتصادیات هم مفید است این است که بنده پیشنهاد کردم این چند قلم

حذف و بجای آن چند قلم دیگری که عرض کردم اضافه شود و به آقایانی که ممکن است از کسر عایدات نگرانی داشته باشند اطمینان میدهم که به هیچوجه عوائد کسر نمیشود بلکه حاضریم که برویم حساب کنیم تا آقایان ببینند که علاوه هم می شود.

بعضی از نمایندگان - خوبست تنفس داده شود.

رئیس - در موقع تنفس باید شعبه دوم و پنجم و ششم تشکیل شده و سه عضو برای کمیسیون عرایض تعیین کنند

چون کمیسیون عرایض مدتی است سه عضو ندارد و کافتجات همینطور باقی مانده و آقایانی هم که اجازه میخواهند تکلیفشان معلوم نیست.

مدرس - در شعبه دوم خواستیم بکنفر را انتخاب کنیم کسی قبول نکرد حالا نمیدانم باید از خارج معین کنیم یا نه؟

رئیس - چاره ندارد باید یک نفر قبول کند

یک مخالفین پیدا میشود و نمیگذارند سالهای سال است که ما گفته ایم باید در این مملکت بلدی به داشت و چراغ گذاشت دارالاساکین دارالعبزه دارالایتام و دارالعباده تعیین کرد و سعی کرد که دارای مؤسسات بلدی بود ولی وسائل آنرا نمیخواهیم فراهم کنیم.

تصدیق کنید این مرتبه هم که فراهم آمد بدون مشورت

باید عده بود و روی هر هفته عملی بود یعنی آمدند و یک عوارض تحمیل کردند و یک بلدی ساختند.

پس اگر ما اساس یک کاری را تصدیق کنیم و بخواهیم یک زندگی نو برای این مملکت درست کنیم

خوبست اساس آنرا هم درست کنیم و طوری نکنیم که آن کار ابتدا بزور بشود بعد صورت قانونی پیدا کند.

خبر ما باید سعی کنیم خودمان از راه قانونی آن کارها را بکنیم و الا فقط بگفتن اینکه باید یک کارهای خوبی بشود و در اول قدمی که میخواهیم برداریم هزار مانع در کار بیآوریم

باید قطع داشته باشیم که بجائی نمیرویم و اینکه میفرمائید مکاری زحمت می کشد و در کمر ما سرما کار میکند بلی مکاری کار میکند و گرما و سرما میخورد و برنج و روغن و بالاخره کلابی نظیر مبارود و آقای زعیم و بنده و متمول ترا ماها صرف میکنند.

و آنوقت نتیجه این می شود که بلدی یک عده از پشه هائی که توی کوچه هستند جمع می کنند و نگاهداری می کنند

حالا اگر همه آنها را جمع کرده و بدارالایتام برده و از آنها پرستاری میشود و همچنین دارالعبزه درست کرده اند من نمیگویم کامل است

ولی باز خیلی فقیر در آن هست و باندازه که ما پول میدهم بهمان اندازه فقرا را نگاه داشته اند و آقایانی که دلشان میسوزد خوبست از این راه اقدام نماید که عوارض زیاد تر بشود تا این مؤسسات هم زیادتر شود.

در اینجا شاهزاده محمد ولی میرزا هم بکفداری ولی شان را بعد از قبول اساس مطلب آوردند

یعنی اساساً قبول کردند بعد ولی شروع شد آقای میرزا مانند مردم فقیر نه و از برای روز تنگنائی آنها

باید فکری کرد و میگویند آن وقتی که نان یک من سه تومان شد آن وقت چه میکنند

آقا آنوقت که نان یکمن سه تومان شد متمولین و ملاکین برای فقرا دلسوزی کردند؟

خیر امروز مسئله فقر و فاقه مردم یک وسیله ای شده است که هر وقت هر کاری که میخواهد در مجلس بگذرد فوج فقر را جلوی ما جلوه می دهند.

آقا آن موقعی که تنگنائی بشود میریزند و آنوقت باید برای آنها جا تهیه شود تا بتوانند زندگی کنند و بالاخره برای آنروز ما باید یک عوایدی از حالا پیش بینی کنیم.

در هر حال در اصل قضیه از رأی هائی که در این جلسه مجلس داده شده همچو استنباط می کنم که آقایان موافقت ولی راجع بنقله یک صحبت هائی میشود

خاطر آقایان را متوجه میکنم به اینکه قضیه غله که الان در تهران بواسطه اداره ارزاق میشود در سال هفتاد هزار تومان عایدات دارد و اگر این عایدات از اینجا کم بشود جزو بودجه مملکتی می رود مثل اینکه وزارت مالیه اول نمیخواست پیشتر یاد کند.

ولی این هفتاد هزار تومان را امروز ارزاق بلدی می دهد و اگر این باری فلان قدر را نگیرند بطور قطع بدباید که در قیمت نان تفاوتی پیدا نخواهد شد.

بنا بر این اگر در آن موضوع رأی ندهیم هفتاد هزار تومان بر عایدات مالیه اضافه میشود.

برای اینکه دیگر اداره ارزاق آن هفتاد هزار تومان را ببلدی نمی دهد و آن وقت یک قسمت از مؤسسانه که امروز بلدی دارد خراب میشود و من باشغاصی که دلشان برای فقرا میسوزد میگویم که مطمئن باشند از این راه تفاوتی در قیمت نان پیدا نمیشود.

بنا بر این تمنا میکنم راجع بقسمت غله که یک قلم عمده است موافقت بکنند و رأی بدهند.

بعضی از مالیاتهای دیگر را که آقایان در آنها ایراد داشتند و میگفتند اسباب زحمت است و خوبست چیزی دیگر جای آنها گذاشته شود.

البته در این قسمت هم صحبت میکنم و پیشنهاداتی میکنند شاید قابل توجه شود ولی باید این اصل را در نظر داشت که از این عایدات چیزی کسر نشود.

بعضی از آقایان برای توتون هم مطلب آوردند

یعنی اساساً قبول کردند بعد ولی شروع شد آقای میرزا مانند مردم فقیر نه و از برای روز تنگنائی آنها

باید فکری کرد و میگویند آن وقتی که نان یک من سه تومان شد آن وقت چه میکنند

آقا آنوقت که نان یکمن سه تومان شد متمولین و ملاکین برای فقرا دلسوزی کردند؟

خیر امروز مسئله فقر و فاقه مردم یک وسیله ای شده است که هر وقت هر کاری که میخواهد در مجلس بگذرد فوج فقر را جلوی ما جلوه می دهند.

آقا آن موقعی که تنگنائی بشود میریزند و آنوقت باید برای آنها جا تهیه شود تا بتوانند زندگی کنند و بالاخره برای آنروز ما باید یک عوایدی از حالا پیش بینی کنیم.

در هر حال در اصل قضیه از رأی هائی که در این جلسه مجلس داده شده همچو استنباط می کنم که آقایان موافقت ولی راجع بنقله یک صحبت هائی میشود

خاطر آقایان را متوجه میکنم به اینکه قضیه غله که الان در تهران بواسطه اداره ارزاق میشود در سال هفتاد هزار تومان عایدات دارد و اگر این عایدات از اینجا کم بشود جزو بودجه مملکتی می رود مثل اینکه وزارت مالیه اول نمیخواست پیشتر یاد کند.

ولی این هفتاد هزار تومان را امروز ارزاق بلدی می دهد و اگر این باری فلان قدر را نگیرند بطور قطع بدباید که در قیمت نان تفاوتی پیدا نخواهد شد.

بنا بر این اگر در آن موضوع رأی ندهیم هفتاد هزار تومان بر عایدات مالیه اضافه میشود.

برای اینکه دیگر اداره ارزاق آن هفتاد هزار تومان را ببلدی نمی دهد و آن وقت یک قسمت از مؤسسانه که امروز بلدی دارد خراب میشود و من باشغاصی که دلشان برای فقرا میسوزد میگویم که مطمئن باشند از این راه تفاوتی در قیمت نان پیدا نمیشود.

بنا بر این تمنا میکنم راجع بقسمت غله که یک قلم عمده است موافقت بکنند و رأی بدهند.

بعضی از مالیاتهای دیگر را که آقایان در آنها ایراد داشتند و میگفتند اسباب زحمت است و خوبست چیزی دیگر جای آنها گذاشته شود.

البته در این قسمت هم صحبت میکنم و پیشنهاداتی میکنند شاید قابل توجه شود ولی باید این اصل را در نظر داشت که از این عایدات چیزی کسر نشود.

بعضی از آقایان برای توتون هم مطلب آوردند

یعنی اساساً قبول کردند بعد ولی شروع شد آقای میرزا مانند مردم فقیر نه و از برای روز تنگنائی آنها

باید فکری کرد و میگویند آن وقتی که نان یک من سه تومان شد آن وقت چه میکنند

آقا آنوقت که نان یکمن سه تومان شد متمولین و ملاکین برای فقرا دلسوزی کردند؟

خیر امروز مسئله فقر و فاقه مردم یک وسیله ای شده است که هر وقت هر کاری که میخواهد در مجلس بگذرد فوج فقر را جلوی ما جلوه می دهند.

آقا آن موقعی که تنگنائی بشود میریزند و آنوقت باید برای آنها جا تهیه شود تا بتوانند زندگی کنند و بالاخره برای آنروز ما باید یک عوایدی از حالا پیش بینی کنیم.

در هر حال در اصل قضیه از رأی هائی که در این جلسه مجلس داده شده همچو استنباط می کنم که آقایان موافقت ولی راجع بنقله یک صحبت هائی میشود

خاطر آقایان را متوجه میکنم به اینکه قضیه غله که الان در تهران بواسطه اداره ارزاق میشود در سال هفتاد هزار تومان عایدات دارد و اگر این عایدات از اینجا کم بشود جزو بودجه مملکتی می رود مثل اینکه وزارت مالیه اول نمیخواست پیشتر یاد کند.

ولی این هفتاد هزار تومان را امروز ارزاق بلدی می دهد و اگر این باری فلان قدر را نگیرند بطور قطع بدباید که در قیمت نان تفاوتی پیدا نخواهد شد.

بنا بر این اگر در آن موضوع رأی ندهیم هفتاد هزار تومان بر عایدات مالیه اضافه میشود.

برای اینکه دیگر اداره ارزاق آن هفتاد هزار تومان را ببلدی نمی دهد و آن وقت یک قسمت از مؤسسانه که امروز بلدی دارد خراب میشود و من باشغاصی که دلشان برای فقرا میسوزد میگویم که مطمئن باشند از این راه تفاوتی در قیمت نان پیدا نمیشود.

بنا بر این تمنا میکنم راجع بقسمت غله که یک قلم عمده است موافقت بکنند و رأی بدهند.

بعضی از مالیاتهای دیگر را که آقایان در آنها ایراد داشتند و میگفتند اسباب زحمت است و خوبست چیزی دیگر جای آنها گذاشته شود.

البته در این قسمت هم صحبت میکنم و پیشنهاداتی میکنند شاید قابل توجه شود ولی باید این اصل را در نظر داشت که از این عایدات چیزی کسر نشود.

بعضی از آقایان برای توتون هم مطلب آوردند

یعنی اساساً قبول کردند بعد ولی شروع شد آقای میرزا مانند مردم فقیر نه و از برای روز تنگنائی آنها

باید فکری کرد و میگویند آن وقتی که نان یک من سه تومان شد آن وقت چه میکنند

آقا آنوقت که نان یکمن سه تومان شد متمولین و ملاکین برای فقرا دلسوزی کردند؟

خیر امروز مسئله فقر و فاقه مردم یک وسیله ای شده است که هر وقت هر کاری که میخواهد در مجلس بگذرد فوج فقر را جلوی ما جلوه می دهند.

آقا آن موقعی که تنگنائی بشود میریزند و آنوقت باید برای آنها جا تهیه شود تا بتوانند زندگی کنند و بالاخره برای آنروز ما باید یک عوایدی از حالا پیش بینی کنیم.

در هر حال در اصل قضیه از رأی هائی که در این جلسه مجلس داده شده همچو استنباط می کنم که آقایان موافقت ولی راجع بنقله یک صحبت هائی میشود

خاطر آقایان را متوجه میکنم به اینکه قضیه غله که الان در تهران بواسطه اداره ارزاق میشود در سال هفتاد هزار تومان عایدات دارد و اگر این عایدات از اینجا کم بشود جزو بودجه مملکتی می رود مثل اینکه وزارت مالیه اول نمیخواست پیشتر یاد کند.

ولی این هفتاد هزار تومان را امروز ارزاق بلدی می دهد و اگر این باری فلان قدر را نگیرند بطور قطع بدباید که در قیمت نان تفاوتی پیدا نخواهد شد.

بنا بر این اگر در آن موضوع رأی ندهیم هفتاد هزار تومان بر عایدات مالیه اضافه میشود.

برای اینکه دیگر اداره ارزاق آن هفتاد هزار تومان را ببلدی نمی دهد و آن وقت یک قسمت از مؤسسانه که امروز بلدی دارد خراب میشود و من باشغاصی که دلشان برای فقرا میسوزد میگویم که مطمئن باشند از این راه تفاوتی در قیمت نان پیدا نمیشود.

بنا بر این تمنا میکنم راجع بقسمت غله که یک قلم عمده است موافقت بکنند و رأی بدهند.

بعضی از مالیاتهای دیگر را که آقایان در آنها ایراد داشتند و میگفتند اسباب زحمت است و خوبست چیزی دیگر جای آنها گذاشته شود.

البته در این قسمت هم صحبت میکنم و پیشنهاداتی میکنند شاید قابل توجه شود ولی باید این اصل را در نظر داشت که از این عایدات چیزی کسر نشود.

بعضی از آقایان برای توتون هم مطلب آوردند

یعنی اساساً قبول کردند بعد ولی شروع شد آقای میرزا مانند مردم فقیر نه و از برای روز تنگنائی آنها

باید فکری کرد و میگویند آن وقتی که نان یک من سه تومان شد آن وقت چه میکنند

آقا آنوقت که نان یکمن سه تومان شد متمولین و ملاکین برای فقرا دلسوزی کردند؟

خیر امروز مسئله فقر و فاقه مردم یک وسیله ای شده است که هر وقت هر کاری که میخواهد در مجلس بگذرد فوج فقر را جلوی ما جلوه می دهند.

آقا آن موقعی که تنگنائی بشود میریزند و آنوقت باید برای آنها جا تهیه شود تا بتوانند زندگی کنند و بالاخره برای آنروز ما باید یک عوایدی از حالا پیش بینی کنیم.

در هر حال در اصل قضیه از رأی هائی که در این جلسه مجلس داده شده همچو استنباط می کنم که آقایان موافقت ولی راجع بنقله یک صحبت هائی میشود

خاطر آقایان را متوجه میکنم به اینکه قضیه غله که الان در تهران بواسطه اداره ارزاق میشود در سال هفتاد هزار تومان عایدات دارد و اگر این عایدات از اینجا کم بشود جزو بودجه مملکتی می رود مثل اینکه وزارت مالیه اول نمیخواست پیشتر یاد کند.

ولی این هفتاد هزار تومان را امروز ارزاق بلدی می دهد و اگر این باری فلان قدر را نگیرند بطور قطع بدباید که در قیمت نان تفاوتی پیدا نخواهد شد.

بنا بر این اگر در آن موضوع رأی ندهیم هفتاد هزار تومان بر عایدات مالیه اضافه میشود.

برای اینکه دیگر اداره ارزاق آن هفتاد هزار تومان را ببلدی نمی دهد و آن وقت یک قسمت از مؤسسانه که امروز بلدی دارد خراب میشود و من باشغاصی که دلشان برای فقرا میسوزد میگویم که مطمئن باشند از این راه تفاوتی در قیمت نان پیدا نمیشود.

بنا بر این تمنا میکنم راجع بقسمت غله که یک قلم عمده است موافقت بکنند و رأی بدهند.

بعضی از مالیاتهای دیگر را که آقایان در آنها ایراد داشتند و میگفتند اسباب زحمت است و خوبست چیزی دیگر جای آنها گذاشته شود.

البته در این قسمت هم صحبت میکنم و پیشنهاداتی میکنند شاید قابل توجه شود ولی باید این اصل را در نظر داشت که از این عایدات چیزی کسر نشود.

بعضی از آقایان برای توتون هم مطلب آوردند

یعنی اساساً قبول کردند بعد ولی شروع شد آقای میرزا مانند مردم فقیر نه و از برای روز تنگنائی آنها

باید فکری کرد و میگویند آن وقتی که نان یک من سه تومان شد آن وقت چه میکنند

آقا آنوقت که نان یکمن سه تومان شد متمولین و ملاکین برای فقرا دلسوزی کردند؟

خیر امروز مسئله فقر و فاقه مردم یک وسیله ای شده است که هر وقت هر کاری که میخواهد در مجلس بگذرد فوج فقر را جلوی ما جلوه می دهند.

آقا آن موقعی که تنگنائی بشود میریزند و آنوقت باید برای آنها جا تهیه شود تا بتوانند زندگی کنند و بالاخره برای آنروز ما باید یک عوایدی از حالا پیش بینی کنیم.

در هر حال در اصل قضیه از رأی هائی که در این جلسه مجلس داده شده همچو استنباط می کنم که آقایان موافقت ولی راجع بنقله یک صحبت هائی میشود

خاطر آقایان را متوجه میکنم به اینکه قضیه غله که الان در تهران بواسطه اداره ارزاق میشود در سال هفتاد هزار تومان عایدات دارد و اگر این عایدات از اینجا کم بشود جزو بودجه مملکتی می رود مثل اینکه وزارت مالیه اول نمیخواست پیشتر یاد کند.

ولی این هفتاد هزار تومان را امروز ارزاق بلدی می دهد و اگر این باری فلان قدر را نگیرند بطور قطع بدباید که در قیمت نان تفاوتی پیدا نخواهد شد.

بنا بر این اگر در آن موضوع رأی ن

اشیاء تجلی که وارد این مملکت میشود از نقطه نظر اصول زندگی عمومی هم باید يك توجهی بآن بشود و در دنیای متمدن هم امروزه این توجه را کرده اند مخصوصاً در فرانسه بعد از جنگ برغال شایه تجلی گمرک زیاد بسته اند و بعضی را اصلاً منع کرده اند که وارد مملکتشان نشود و من نمی دانم چرا در ایران این کار را نمی کنند.

ایرانی که غالب مردمانش آه ندارند که با ناله سودا کنند علت ندارد که اینهمه اجناس تجلی وارد مملکتش بشود و بعقیده بنده در این باب بایستی يك تصمیم کلی گرفت.

در مجلس گذشته هم راجع باین موضوع صحبت بود ولی نمی دانم بالاخره چه شد و این که راجع بمالیاتهای آلمانی بعضی از آقایان می گویند از اشیاء تجلی گرفته شود بعقیده بنده تشخیص آی مشکل است.

بنابر این خوبست آقایان چیزهایی که بنظرشان تجلی می آید پیشنهاد بفرمایند که از این جنس فلانقدر مالیات گرفته شود و آن پیشنهادها هم می رود به کمیسیون و در آنجا دقت می شود ما هم که مقصودی نداریم.

اگر بنده بایک لایحه موافقت می کنم و آقای مدرس مخالفت می کند این اختلاف نظر است که ممکن است بعضی اوقات رفع شود باینکه هر دو مان در سر عقیده خودمان باقی باشیم و بالاخره اکثریت مجلس مسئله را حل کند.

البته اختلافات شخصی که نداریم ممکن است اجناسی که بنظر آقایان تجلی می آید پیشنهاد بفرمایند اما باید در نظر داشت که عایدات بلدی از این کثرت نشود.

حالا اگر زیادتر بشود بهتر است ولی نباید کسر بشود و از آن بلدی بعضی احتیاجات دارد که بواسطه نداشتن استطاعت نمیتواند کاری بکند مثلاً يك عده زیادی گدا در کوچه ها هست که بواسطه کسی عایدات نمیتواند جمع کند پس باید سعی کرد عایدات بلدی را زیاد کرد تا لایق باین صورت فعلی بماند و از برای این کار مالیاتهای که بنظر آقایان میرسد بطور سرریج پیشنهاد کنند تا در آنها ملأ گراه شود کمیسیون مطالعه نماید البته اگر دیدیم يك اجناسی هست که اسباب زحمت عمومی است ممکن است چند قلم را حذف کرد و چند قلم دیگر بجایش گذاشت.

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - در این موقع که يك لایحه برای قانونی کردن مقداری از مالیاتها گرفته میشود بمجلس آمد راست بعقیده من يك ملأ کراتی خارج از موضوع لایحه در مجلس این جا را موضوع بلدی و بلدیها را میگویند.

در سایر جاهای دنیا بعقیده بنده بلدیها يك مؤسسه است که واسطه بین توابع و متول و سرمایه دار و قرا است.

باید از يك طرف پول گرفت و خرج اشخاص کرد که خودشان نمیتوانند از عهده نگاهداری خود بر آید.

مؤسسات بلدی در جاهای دیگر دنیا عبارتست از الامور مستات خیریه و صحبه و مؤسساتی که مربوط بعطف فقرا و ضعیفای مملکت است بعد در درجه چهارم و پنجم مؤسسات ساختمان و الکتریک که آسایش طبقات عالی را فراهم مینماید.

اول باید وسائل آسایش طبقه بیچاره را در نظر گرفت بعد طبقه عالی را و در اینجا ما معکوس عمل می کنیم یعنی از يك عده فقیر بدیعت بیچاره (بقول ما صفا نیا عده سی خورها) پول می گیریم و برای اغنیاء الکتریک در خیابانها می کشیم.

این سنگت که در اینجا نوشته شده دولت اهالی تهران در این فصل زستان بالبو و سنگت زندگی میکنند.

آقای فرمایند از اینها پول بگیریم و توی خیابان چراغ الکتریک بکشیم بنده مخالفم و طرفدار يك بلدی هستم که از ساکنین خیابانهای الکتریک پول بگیرد و خرج آن سنگت خورها بکند در اینجا يك مسئله هم گفته می شود که بنده مجبورم امروز هم عرض بکنم و آن این است که تا يك کلمه حرف راجع بمعارف از دهان کسی در اینجا بیرون می آید فوراً مسئله و پیش می آید که آقای خواهد دما گوزی بکنند معارف را بر خرد مردم بکشند.

بنده می خواهم دما گوزی بکنم و نام دما گوزی معارف این مملکت را ترقی بدهم.

یا اگر گفته شود قراء فوراً بگویند قرا را بر خرد ما میکشند.

بنده می خواهم طرفدار از فقر بکنم تا در دوره ششم بنده رای بدهم و مراو کبل بکنند.

بنده از آقایان استدعای کنم دره و قعی که در مسائل مهم مملکتی مذاکره می شود در این روز که امروز در این مملکت برای گرفتن مالیات جاریست بعقیده بنده ظالمانه ترین رویه ها است.

مهمذا ایرانی باغوش باز استقبال میکند و میدهد.

پس ایرانی مالیات میدهد و تا دارد

بنده هم می خواهم چند کلمه خارج از موضوع عرض کنم و لزوم بلدیها قدری بیشتر از آقایان موافقت بسط بدهم.

بلدیها يك چیزی است که گمان نمیکند پیش احادی محل انکار باشد که بلدیها برای مملکت لازم است و خرجش را هم اهل شهر باید بدهند ولی مخارج بلدیها باید آنهاست بدهند که میتوانند بدهند.

در سایر جاهای دنیا بعقیده بنده بلدیها يك مؤسسه است که واسطه بین توابع و متول و سرمایه دار و قرا است.

باید از يك طرف پول گرفت و خرج اشخاص کرد که خودشان نمیتوانند از عهده نگاهداری خود بر آید.

مؤسسات بلدی در جاهای دیگر دنیا عبارتست از الامور مستات خیریه و صحبه و مؤسساتی که مربوط بعطف فقرا و ضعیفای مملکت است بعد در درجه چهارم و پنجم مؤسسات ساختمان و الکتریک که آسایش طبقات عالی را فراهم مینماید.

اول باید وسائل آسایش طبقه بیچاره را در نظر گرفت بعد طبقه عالی را و در اینجا ما معکوس عمل می کنیم یعنی از يك عده فقیر بدیعت بیچاره (بقول ما صفا نیا عده سی خورها) پول می گیریم و برای اغنیاء الکتریک در خیابانها می کشیم.

این سنگت که در اینجا نوشته شده دولت اهالی تهران در این فصل زستان بالبو و سنگت زندگی میکنند.

آقای فرمایند از اینها پول بگیریم و توی خیابان چراغ الکتریک بکشیم بنده مخالفم و طرفدار يك بلدی هستم که از ساکنین خیابانهای الکتریک پول بگیرد و خرج آن سنگت خورها بکند در اینجا يك مسئله هم گفته می شود که بنده مجبورم امروز هم عرض بکنم و آن این است که تا يك کلمه حرف راجع بمعارف از دهان کسی در اینجا بیرون می آید فوراً مسئله و پیش می آید که آقای خواهد دما گوزی بکنند معارف را بر خرد مردم بکشند.

بنده می خواهم دما گوزی بکنم و نام دما گوزی معارف این مملکت را ترقی بدهم.

یا اگر گفته شود قراء فوراً بگویند قرا را بر خرد ما میکشند.

بنده می خواهم طرفدار از فقر بکنم تا در دوره ششم بنده رای بدهم و مراو کبل بکنند.

بنده از آقایان استدعای کنم دره و قعی که در مسائل مهم مملکتی مذاکره می شود در این روز که امروز در این مملکت برای گرفتن مالیات جاریست بعقیده بنده ظالمانه ترین رویه ها است.

مهمذا ایرانی باغوش باز استقبال میکند و میدهد.

پس ایرانی مالیات میدهد و تا دارد

بنده هم می خواهم چند کلمه خارج از موضوع عرض کنم و لزوم بلدیها قدری بیشتر از آقایان موافقت بسط بدهم.

بلدیها يك چیزی است که گمان نمیکند پیش احادی محل انکار باشد که بلدیها برای مملکت لازم است و خرجش را هم اهل شهر باید بدهند ولی مخارج بلدیها باید آنهاست بدهند که میتوانند بدهند.

در سایر جاهای دنیا بعقیده بنده بلدیها يك مؤسسه است که واسطه بین توابع و متول و سرمایه دار و قرا است.

باید از يك طرف پول گرفت و خرج اشخاص کرد که خودشان نمیتوانند از عهده نگاهداری خود بر آید.

مؤسسات بلدی در جاهای دیگر دنیا عبارتست از الامور مستات خیریه و صحبه و مؤسساتی که مربوط بعطف فقرا و ضعیفای مملکت است بعد در درجه چهارم و پنجم مؤسسات ساختمان و الکتریک که آسایش طبقات عالی را فراهم مینماید.

اول باید وسائل آسایش طبقه بیچاره را در نظر گرفت بعد طبقه عالی را و در اینجا ما معکوس عمل می کنیم یعنی از يك عده فقیر بدیعت بیچاره (بقول ما صفا نیا عده سی خورها) پول می گیریم و برای اغنیاء الکتریک در خیابانها می کشیم.

این سنگت که در اینجا نوشته شده دولت اهالی تهران در این فصل زستان بالبو و سنگت زندگی میکنند.

آقای فرمایند از اینها پول بگیریم و توی خیابان چراغ الکتریک بکشیم بنده مخالفم و طرفدار يك بلدی هستم که از ساکنین خیابانهای الکتریک پول بگیرد و خرج آن سنگت خورها بکند در اینجا يك مسئله هم گفته می شود که بنده مجبورم امروز هم عرض بکنم و آن این است که تا يك کلمه حرف راجع بمعارف از دهان کسی در اینجا بیرون می آید فوراً مسئله و پیش می آید که آقای خواهد دما گوزی بکنند معارف را بر خرد مردم بکشند.

بنده می خواهم دما گوزی بکنم و نام دما گوزی معارف این مملکت را ترقی بدهم.

یا اگر گفته شود قراء فوراً بگویند قرا را بر خرد ما میکشند.

بنده می خواهم طرفدار از فقر بکنم تا در دوره ششم بنده رای بدهم و مراو کبل بکنند.

بنده از آقایان استدعای کنم دره و قعی که در مسائل مهم مملکتی مذاکره می شود در این روز که امروز در این مملکت برای گرفتن مالیات جاریست بعقیده بنده ظالمانه ترین رویه ها است.

مهمذا ایرانی باغوش باز استقبال میکند و میدهد.

پس ایرانی مالیات میدهد و تا دارد

منع شده.

این یکبارش چهارصد تومان وارد میشود مالیات آنرا ششصد تومان بکنند و آن کسیکه استعمال میکند بیشتر پول بدهد بخرد.

آنوقت نظریه آقایان که فرمودند باید فکری کنیم برای عدم ورود اشیاء تجلی در اینجا تأمین میشود و بهترین راه همین است.

وقتی گران کردند دیگر مردم نمیزنند در اینصورت شما در اینجا دو قانون میگذارید.

یکی اینکه اشیاء تجلی را شما منع کرده اید که وارد مملکت نشود و دیگر اینکه يك عایدات خیلی زیادی هم برای بلدیها تهیه شده و موسسات زیادی هم میشود درست کرد.

بنده بجای این هفتاد هزار تومان پانصد هزار تومان بشما نشان میدهم که همه آقایان در اینجا تصدیق بفرمایند این مالیات عادلانه است و باید گرفته شود.

ما میخواهیم حقیقاً برای مملکت کار کنیم. فرض برای مردم هم يك فکر هائی بکنیم. فرض میکنم دما گوزی کنیم در اینصورت دما گوزی خوب چه ضرر دارد؟

بنا بر این عرض میکنم خوبست این لایحه برگردد بکمیسیون قوانین ماله و در اطرافش مطالعه شود.

مذاقعه شود برای اینکه موقعیکه این لایحه آمده است بکمیسیون آقایان يك نظریه ای اجمالی درش کرده اند و يك فکری هم جلوتفکرات همی آقایان گرفته است و آن این است که این مالیات را دارند میگیرند حالا دیگر چرا ما کم و زیاد کنیم.

مردم که میدهند بعقیده بنده این فکر صحیحی نیست مگر آن مالیاتهای را که بنده مخالفت کردم نمیگیرند؟

خیر میگیرند.

ما هم میخواهیم نگیرند و بجای آنها يك مالیات زیادتر و سنگین تری وضع کنند و بلدیها را هم توسعه بدهند امسال باینکه خیلی صرفه جوئی در کارهای بلدیها شده و جلوتفکرات گران را هم گرفته اند و آن حقوقهای گران هم داده نمیشود و خیرباش هم توسعه داده شده باز بکلمه قراء از اطراف ریخته اند در شهر و مطابق حساب و مطابق دفتر بلدیها که بنده تعقیقات کرده ام دیگر بلدیها از عهده بر نمی آید يك مشت مردمی را که ماورین ماله گدا کرده اند نگاهداری کند و اقلایک محلی برایشان تهیه کند.

در اینجا صحبت شد که قندو چای جزء ارزاق عمومی است.

بنده که تصور نمیکنم قندو چای جزء مخالفین و موافقین از نقطه نظر موافقت یا مخالفت با دولت در لایحه صحبت کنند و بنده معتقدم همانطور که آقای مغیر فرمودند

اینها مخالفت نظریست در مسائل اساسی مملکت زیرا وضع مالیات و گذرانن بودجه اینها يك چیز هائی است که مربوط بجزایرات معمولی نیست.

مخالفت با موافقت راجع بوضع يك مالیاتی که میشود بعقیده بنده فقط از نقطه نظر خوبی بایستی مالیات است و از این جهت بنده مخالف هستم و بعقیده دارم که آقای مغیر این لایحه را پس بگیرند و ببرند در کمیسیون اشخاصی هم که يك نظریاتی دارند بنویسند بدهند بکمیسیون در آنجا قلم در دست بگیرند و حساب کنند و از روی حد آن محلهائی را که نشان میدهم باین محله بسنجند چون اگر غیر از این باشد بعقیده بنده وقت مجلس تصویب میشود و پیشهاد و مذاکره میشود و وقبول میشود و بالاخره بیشتر باعث معطلی این لایحه میشود.

پس بنده معتقدم اشخاصیکه نظریاتی دارند و محلهائی میتوانند مقابل مالیات ارزاق عمومی پیدا کنند نظریشانرا در بیست یاسی پیشنهاد بنویسند بدهند به کمیسیون در کمیسیون هم مذاکره بشود آنوقت يك چیز هائی را که متذکر نبوده اند متذکر میشوند بعد از اینکه لایحه بیاید بمجلس حرف کمتر زده میشود و فوراً تصویب میشود.

بنابر این بنده مخالفم باین کمی عوارض قند و چای و زیادی عوارض باقاولیه و غیره و بالاخره بنده میخواستم در اینجا تذکره بکنم که مغیر محترم کمیسیون يك مسئله را در اینجا یادداشت نمایند که از چای داخلی مالیات نگیرند چون چای لایحه بجان مال - التجاره بزرگ مملکت ما است و از این عوارض بایستی معاف باشد راجع بخریزه اصفهان هم بنده نمیدانم خریزه شهر ما چه گناه کرده است که توی راه چند جا مالیات نواقل باید بدهد باج بدهد اینها هم در وازه مالیات بدهد؟

اینجا فرمودند لو کس است و يك من هشت قران قیمت دارد.

بنده عرض میکنم شما این عوارض را از خریزه اصفهان نگیرید بنده از خریزه دبیری طهران بشما از انتر میفرموم و در طهران خریزه یکمن شش قران است اصفهان ما یکمن پنجشاهی است دو قران و نیم هم تا اینجا کرایه دارد ولی آن باجهائیکه توی راه میگیرند و دم در وازه میگیرند وقتیکه بیچاره حساب میکند می بیند يك من هفت قران شده است.

بگفران هم خودش میخواهد میشود ۸ قران در خانه را بضم عرض میکنم اینجا راجع بلوایحی که میاید در مجلس صحبت سر موافقت یا مخالفت با يك دولتی و اداره نیست.

بنده که تصور نمیکنم هیچیک از مخالفین و موافقین از نقطه نظر موافقت یا مخالفت با دولت در لایحه صحبت کنند و بنده معتقدم همانطور که آقای مغیر فرمودند

اینجا دیگر صحبت شد آنوقت آقایان توجه مخصوصی میفرمایند.

راجع بمسئله تجلی هم بنده مسئله که در ضمن صحبت عرض کردم واقف از روی عقیده بود نه اینکه نسبت با آقایان مخالفین خواسته باشم يك تمارنی کرده باشم و بنده معتقدم این يك چیزی است که باید در آن دقت کرد و تصدیق گرفت ولی بیشتر نظر بنده از نقطه نظر منع آن ها باید باشد نه اینکه آنها را منبع عایدات قرار بدهیم.

زیرا از نظر عایدات صرفی نخواهیم برد و مثل قضیه تریاک آنطوری که انتظار داریم نخواهد شد.

صرف نظر از اینها شما وقتی که اینکار را کرده و يك عوارضی بسبتد البته این اشیاء دیگر نمی آید آنوقت شما دیگر پول ندارید عایدات ندارید که خرج بلدیها کنید و اگر هم بخواهیم مالیات کمی بگیریم جلو اشیاء لو کس را نمیگیرند.

این است که راجع با اشیاء تجلی يك کاری باید در سرحدات کرد و راجع به مالیاتها صحبت کرد.

يك قسم این است که هر قانونی که بمجلس پیشنهاد میشود در سر هر قانون يك مقدار پیشنهاد است و وقت های فوق العاده میشود و هی طراحی میشود مثل اینکه یازده ماه است از عمر مجلس گذشته چهار قانون از مجلس گذشته است که اگر درست دقت شود چند صدان قابل ملاحظه نیست.

قسم دیگر این است که بطور کلی يك طراحی قانونی از برای مملکت بشود یعنی راجع به زمینه های مختلف از قبیل مسائل بلدی و مسائل عدلیه و غیره يك طراحی هائی شده باشد بعد بتدریج آنها را تکمیل کنند و بعد در هر صورت اجرا شود.

مملکت های دیگر هم وقتی که می خواهند قانونی داشته باشند اول مشغول طراحی در آن میشوند بعد کم کم بتدریج و در ضمن عمل نواقص آنرا رفع میکنند و الا اگر شما بخواهید در هر قضیه که پیش میاید کلیه اطلاعات فلسفی اجتماعی اقتصادی احساس خودتان را بیابید و در بلایش بریزید و مسائل را زیر و رو بکنید ممکن است در ظرف دو سال هم يك قانون نتوانید بگذارید و بنده تصور میکنم يك قانون ناقص بهتر است از يك قانون کاملی که مدت چندین سال دنبالش بروند و بالاخره مسئله تجلی يك موضوع علیحده ای است و يك مسائل دیگری دارد.

راجع بعوارض ولایات فرمودند گمان میکنم بکفتری اشتباه کرده باشند ما صحبت از تهران می کردیم.

البته وقتی که راجع به بلدی اصفهان

گنبد.

اما راجع باسترداد لایحه بنده تکلیفی را که آقا می فرمایند خیلی تعجب می کنم اکثریت مجلس اساس این مسئله را قبول کرد.

حالا اگر آقایان راجع باقلامش یک صحبت هائی دارند بسیار خوب بالاخره آقایان قلم بقلم رای خواهند داد در هر قلم که ایرادی دارند پیشنهاد بفرمایند. آقایان نمایندگان هم با توجه بدلائل آن یارای می دهند یا نمی دهند.

(بعضی از نمایندگان گفتند مذاکرات کافی است بعضی گفتند کافی نیست)

رئیس - رأی میگیریم. آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی است پیشنهادت مبنایند برای جلسه بعد. آقای تهرانی

(اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - بنده خواستم از کمیسیون محترم نفت موافق ماده پانزده نظامنامه داخلی سؤال کنم که زیاده از درآمد بلکه سه ماه است که از طرف کمیسیون نفت راپورت داده نشده است که در باب نفت چه تصمیمی اتخاذ کرده اند و آن کمیانی نفت امریکائی که بنا بود تلگرافش بیاید و در کمیسیون قرائت شود و تصمیمی اتخاذ کنند و وارد در مجلس بشود چه شده؟

از فرزای که شنیده ام کمیانی گفته است که ماده راجع بااستقراض را نمی توانم قبول کنم یعنی ده میلیون قرض را امتناع دارم ولی قبول کردن سایر کنتراکرا قبول دارم یک همچو چیزی بنده شنیدم صدق و کذب را بنده نمی دانم البته آقایان می دانند

عرض من این است که مملکت محتاج بامر اقتصادی است امر نفت هم از امور اقتصادی است و شاید مقداری از مردم را از فقر و فاقه نجات بدهد.

ما باید در امر نفت خیلی اهمیت بدهیم هم نسبت بخارجی و هم نسبت به داخلی ایران.

اگر راجع بخارجی نمیشود افلا یکی دوایالت را برای داخلی ایران تخصیص بدهیم بلکه یکمده از بیکاران مملکت مشغول کار شوند و پول وارد مملکت شود.

عرض بنده از این بیان همین بود.

در مرحله دوم خواستم تقاضا کنم از مجلس و از مقام منبع ریاست که امر بفرمایند بهیئت دولت قبل از اینکه داخل

سنه ۱۳۰۴ بشویم بودجه سنه آتیه را در امسال تهیه کرده و بمجلس بیاورند که مثل امسال نشود. **یک نفر از نمایندگان** - در تبصره قانون بودجه نوشته شده.

طهرانی - مربوط بتبصره نیست و بالاخره ما وقت داشته باشیم برای مذاکره که بعضی از مالیاتهای غیر مشروع را حذف کنیم و بعضی ادارات غیر مشروع را ایفا کنیم این یک چیزی است که وظیفه ما است و من میترسم که بودجه سنه آتیه را قبل از حمل بمجلس نیاورند و آنوقت در آخر سال سنه آتیه ما وارد شویم در امر بودجه و بگوئیم چون هشت ماه گذشته است لازم نیست صحیه با ارزاق را فلانطور کنیم.

سوم تقاضای من از مقام منبع ریاست اینست که وزیر فواید عامه را امر فرمایند بمجلس حاضر شوند برای جواب سؤالی که بنده در باب تنزل تجارت مالی کرده ام

نصرت الدوله - اجازه میفرمائید **رئیس** - بفرمائید

نصرت الدوله - سؤالی که آقای طهرانی از کمیسیون کردند دو قسمت است یکی راجع بنفت که مربوط بکمیانی سینکلی بود.

یکی هم راجع بنفت داخلی چنانچه خاطر آقایان مستحضر است نماینده کمیانی در چندی قبل از ایران بطرف اروپا حرکت کرد.

ورود او بواسطه گنگن مصادف شد تقریباً با حرکت آقای رئیس الوزراء و البته قبل از ورود ایشان بر مرکز و مطالعاتی که باید بکنند یک تحقیقات کاملی ممکن نبود و اگر یک جوابهائی داده شده هنوز آن جوابها با اطلاع کمیسیون نرسیده است و البته حالا که آقای رئیس الوزراء تشریف فرما شده اند تحقیقات خواهد شد و نتیجه آن بعرض مجلس خواهد رسید.

راجع بنفت داخل هم در جلسات عیدیه و در جلسه اخیر مطالعه شده و دیگر معطلی ندارد و فقط یک جلسه دیگر باید کمیسیون تشکیل بشود برای خواندن موادی که اصلاح شده و تصویب ماده واحده و گمان میکنم برای هفته آتیه مسلمار ابرت راجع با امتیاز نفت داخلی ایران تقدیم مجلس شورای ملی میشود.

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

حائریزاده - راپرت کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات یکماه است تقدیم مجلس شده است و وقت هم خیلی تنگ است استدعا میکنم برای اول جلسه آتیه جزو دستور شود یا اینکه هفتهای یک روز را تخصیص بدهند باین قانون که زودتر بگذرد هم دولت و هم مردم تکلیفشان را بفهمند.

رئیس - برای فردا که گمان میکنم مشکل باشد چون باید فردا مذاکره همین لایحه که حالا شروع شده است باید تعقیب شود اگر صلاح میدانند روزهای پنجشنبه برای قانون انتخابات معین شود

جمعی از نمایندگان - صبح است.

رئیس - مخالفی ندارد؟ (گفتند خیر)

رئیس - دستور فردا اولاً لایحه عوارض بلدی.

ثانیاً سه فقره اصلاحی که آقای یاسائی در قانون استخدام پیش بینی کرده اند در جلسه قبل تقاضا کرده اند جزو دستور شود.

مواد ۶۴ و ۶۵ و ۷۲ آقای یاسائی همینطور است؟

یاسائی - مواد ۶۶ و ۶۷ و ۷۱ است.

رئیس - بسیار خوب آقای عدل الملک (اجازه)

عدل الملک - بنده میخواستم تقاضا کنم اگر لایحه راپرت جزو سمنان حاضر است جزو دستور شود.

رئیس - اینها وقتی تمام شد جزو دستور میشود.

آقای سر کشیک زاده (اجازه)

سر کشیک زاده - عرضی ندارم **رئیس** - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده میخواستم عرض کنم که یک تا کیدی بکمیسیون نظام بشود که زودتر لایحه قانون سر باز گیری را بمجلس بیاورند زیرا این مسئله هم اسباب زحمت دولت شده است هم اسباب زحمت مردم ولایات و البته آقایان اطلاع دارند که چه صدماتی به مردم وارد میشود و شاید همین ترتیباتی که راجع ببلدیه گفته شد بواسطه همین فشارهاست.

بنده تقاضا میکنم که در این باب عطف توجهی بشود و زودتر این لایحه به مجلس بیاید تا تکلیف سر باز گیری معلوم شود

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - بنده اول جلسه هم عرض کردم پیشنهاد آقای داور راجع به پنجاه هزار تومان محل شهریه که پیشنهاد شده است جزو دستور شود معطلی هم ندارد فقط باید ارجاع بکمیسیون بشود

رئیس - یک قدری مطالعه لازم دارد تکلیفش را فردا عرض میکنم آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده خواستم تقاضا کنم لایحه معافیت ماشینهای صنعتی اگر موعد قانونیش شده است شورتائیش شروع شود.

رئیس - برای روز سه شنبه معین میشود.

آقای سالار لشکر (اجازه)

سالار لشکر - در جواب آقای حاج میرزا عبدالوهاب میخواستم عرض کنم که کمیسیون نظام قانون نظام اجباری را مطالعه کرده و راپرت آن در ظرف این دوره تقدیم مجلس میشود.

(مجلس سه ربع بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - مؤتمن الملک

منشی - علی اقبال الممالک

منشی - معظم السلطان

جلسه صد و پنجم صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه ۱۴ آبرج جلی ۱۳۰۳ مطابق هشتم جمادی الثانیه ۱۳۴۳

مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید.

(صورت مجلس یوم شنبه ۱۲ جدی را آقای اقبال الممالک قرائت نمودند)

رئیس - آقای شیخ الاسلام (اجازه)

شیخ الاسلام - بنده بعد از تصویب صورت جلسه عرضی دارم.

رئیس - آقای آقا شیخ جلال (اجازه)

آقا شیخ جلال - قبل از دستور عرضی دارم.

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - عرضی ندارم.

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - عرض بنده هم قبل از دستور است.

رئیس - نسبت بصورت مجلس مخالفی نیست.

(گفتند خیر)

رئیس - آقای شیخ الاسلام (اجازه)

شیخ الاسلام - تلگرافی از اهالی نویسرگان راجع به بریقی که در آنجا اتفاق افتاده است مغایره شده است و تقاضا کرده اند که در مجلس قرائت شود این است عین تلگراف که می خوانم بلکه توجهی در این باب بشود که آسایش آنها فراهم گردد.